

قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ

...وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ...

و خداوند حج را

مایه تقویت و استواری دین قرار داد...

«بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳»

ای امیر عرفات!

زلالی از کلام استاد تقدیمتان

او که همواره سخن جده بزرگوارتان

را با اشک و شوق بر زبان می‌راند.

باشد که منتظران در آستانه ظهورتان

با اصل تولی و تبری و در سایه سار علم ولایت

زمینه‌ساز حضور مقدستان گردند

و حقیقت حج را زیر لوای ولایتان به جای آرند.

فهرست

مقدمه / ۹

گفتار اول: اهمیت و قداست کعبه / ۱۳

نخستین خانه توحید / ۱

کعبه مایه هدایت جهانیان / ۱۴

مرکز امنیت و آرامش / ۱۴

گفتار دوم: حج یادگار ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام / ۱۷

مقام ابراهیم علیه السلام / ۱۸

دعاهای مهم حضرت ابراهیم علیه السلام / ۱۹

۱- تقاضای امنیت و موهبت اقتصادی / ۱۹

۲- درخواست پذیرش اعمال / ۲۰

۳- تقاضای ذریه‌ای فرمانبردار و تسلیم خداوند / ۲۱

۴- آموختن چگونگی عبادت پروردگار / ۲۲

۵- پذیرش توبه / ۲۳

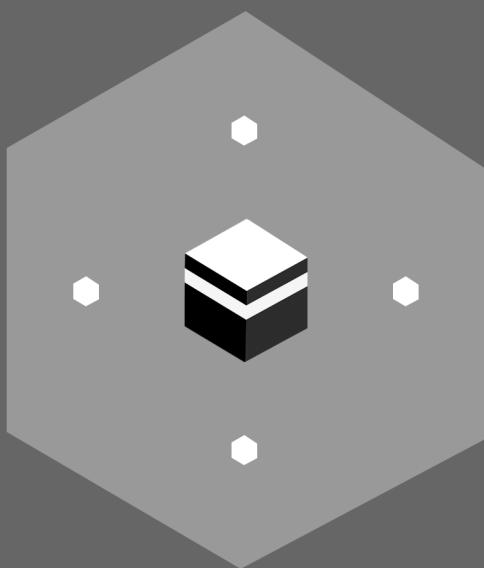
۶- مبعوث کردن پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله / ۲۳

تجلی حج ابراهیمی در برائت از مشرکین / ۲۵

گفتار سوم: اهمیت و وجوب حج / ۲۷

گفتار چهارم: اسرار و آثار حج از منظر امام رضا علیه السلام / ۳۱

- ورود به محضر خداوند / ۳۲
- تقاضای افزونی ارزش‌های اخلاقی و انسانی / ۳۶
- خارج شدن از هر ناپسندی / ۳۷
- خرج کردن اموال و به زحمت انداختن بدن‌ها / ۴۰
- دور کردن نفس از لذت‌ها و دل‌بستگی‌ها / ۴۱
- استمرار دادن به دستاوردهای حج / ۴۳
- تواضع و فروتنی / ۴۳
- تقویت بنیان‌های اقتصادی جهان اسلام و تأمین منافع مسلمانان / ۴۵
- گسترش جهانی سخنان معصومان علیهم‌السلام / ۴۸
- گفتار پنجم: مراحل سفر حج در کلام امام صادق علیه‌السلام / ۵۱**
- خالی کردن قلب برای خدا / ۵۱
- توبه و طلب مغفرت / ۵۲
- لیبک و اجابتی خالص و پاک / ۵۳
- اعتراف به گناهان در عرفات / ۵۴
- تجدید پیمان با خالق یکتا / ۵۵
- ورود به حریم امن الهی / ۵۶
- گفتار ششم: زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام / ۵۷**
- اهمیت زیارت / ۵۷
- فضیلت زیارت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم / ۵۸
- زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام / ۶۱
- زیارت به نیابت امام حسن عسکری علیه‌السلام / ۶۲
- جریان ملاقات با امام زمان علیه‌السلام / ۶۵
- کتابنامه / ۶۸
- معرفی آثار استاد / ۷۰



مقدمه

هدف از خلقت انسان معرفت خداوند و رسیدن به مقام قرب و رضوان الهی است و این امر جز با عبادت و تربیت نفس، دوری از تعلقات و وابستگی‌ها، تخلق به اخلاق پسندیده و انجام دستورات الهی میسر نمی‌شود.

یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به این مهم حج است؛ زیرا حج هجرتی است مقدس از تعلقات و شهوات و دل‌بستگی‌ها به سوی خدا، و بازگشتی است به فطرت الهی و بزرگ‌ترین عبادتی که انسان را به مقام قرب حق می‌رساند.

در هریک از اعمال و مناسک متنوع حج راز و رمزهایی نهفته است که بُعدی از ابعاد شخصیت انسانی را می‌پروراند و مایهٔ تعالی روح او می‌گردد.

آیاتی متعدد از قرآن کریم و روایاتی فراوان از معصومان علیهم‌السلام، آیین حج و وجوب و فلسفهٔ آن را تبیین کرده و آثار اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی این عبادت بزرگ را در دو بُعد فردی و اجتماعی برشمرده‌اند. بهره‌مندی از این

فرصت که خداوند برای زیارت بیتش فراهم ساخته است، زمینه‌ی تعالی روح و سرمایه‌ی آخرت است. از این رو، استاد طاهائی همواره می‌فرمودند: «خیلی قدر ایام حج را بدانید؛ و جب به و جب سرزمین مکه خاطره است و جایی است که همه‌ی انبیا و اولیای خدا مشرف شدند و اتفاقات بسیاری رخ داده است. این سرزمین یادآور زحمات و رنج‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ و علی ﷺ و فاطمه ﷺ و اولاد آنها در به ثمر رساندن نهال اسلام می‌باشد. بنابراین، درک عظمت حج و آشنایی با سخنان و سیره‌ی معصومان ﷺ، درباره‌ی زیارت بیت‌الله‌الحرام می‌تواند ما را در بهره‌وری از این خوان نعمت بهتریاری رساند. البته چنان که به علل مختلف و از جمله کارشکنی دشمنان اسلام زمینه‌ی تشرف حاصل نیاید، مؤمن با درک جایگاه حج با دلی شکسته برای ظهور حضرت ولی عصر ﷺ مصرانه تضرع نماید که ان‌شاءالله در ظلّ دولت ایشان خداوند حج مقبول را نصیب همگان بفرماید.»

آنچه در این نوشتار آمده است، خلاصه‌ای است از سلسله‌درس‌های استاد فاطمه سیدخاموشی (طاهائی) (اعلی‌الله مقامها) در موضوع حج که در جمع شاگردان و مسافران خانه‌ی خدا ایراد فرمودند.

این مباحث در شش گفتار تنظیم گردیده‌اند. گفتار آغازین به اهمیت و منزلت کعبه از نگاه قرآن می‌پردازد. از آنجاکه کعبه و فلسفه‌ی برخی اعمال حج با تاریخ زندگی حضرت ابراهیم ﷺ پیوند خورده است، در گفتار دوم به این موضوع اشاره شده است و دعاها و نیایش‌های

آن حضرت در کنار کعبه که بیانگر فضایل روحی و مجاهدت‌های الهی ایشان است، بیان می‌شود.

در گفتار سوم اهمیت و وجوب حج تشریح می‌شود و گفتار چهارم شرح حدیثی است گران‌سنگ از امام رضا علیه السلام که آثار و اسرار حج را با بیان شیرین و روحانی خویش توضیح می‌دهند.

گفتار پنجم در بردارنده سخنی جامع از امام صادق علیه السلام است که بر اساس آن به بیان مراحل پرداخته می‌شود که مسافر خانه خدا با طی آن‌ها آمادگی این سفر روحانی را می‌یابد. واپسین گفتار نیز که حسن ختام این کتاب است، به موضوع زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام که جزء جدانشدنی سفر زائران بیت‌الله الحرام است، اختصاص دارد. امید است خداوند متعال توفیق انجام حج با معرفت را به همگان عنایت فرماید و روح استاد طاهائی را قرین رأفت و رحمتش گرداند. آمین!

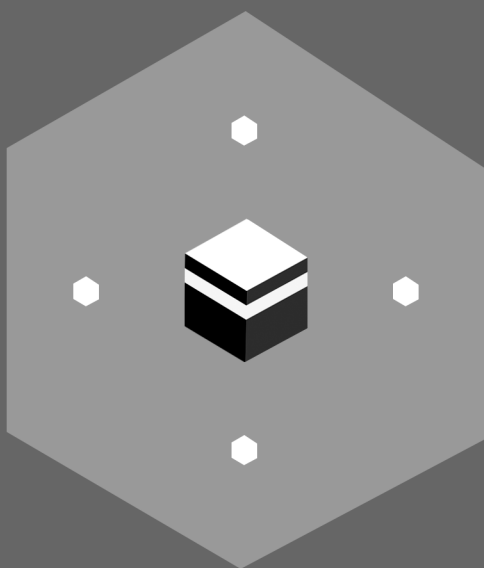
والسلام علی من التبع الهدی

مشهدالرضا علیه السلام

مؤسسه علمی - تحقیقی مکتب نرجس علیها السلام

گروه تنظیم و نشر آثار استاد طاهائی

زمستان ۱۳۹۴



گفتار اول اهمیت و قداست کعبه

نخستین خانه توحید

کعبه نخستین خانه توحید و دیرینه‌ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد. هیچ مکانی پیش از آن، مرکز نیایش و پرستش پروردگار نبوده است. خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.»

کعبه خانه‌ای است که برای مردم و به سود جامعه بشریت در مکانی که مرکز اجتماع و محلی پربرکت است، ساخته شده است. طبق مستندات تاریخ و منابع اسلامی این خانه به دست حضرت آدم علیه السلام بنا گردید. سپس در توفان نوح آسیب دید و حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام دیگر بار آن را بنا کرد.

جالب اینکه خداوند از خانهٔ کعبه یا زمینی که در آن، خانه ساخته شده است، با تعبیر «بکه» یاد نموده است. «بکه» در اصل از مادهٔ «بک» به معنای ازدحام و اجتماع است. در روایتی از امام صادق علیه السلام «مکه» نام مجموع شهر دانسته شده و «بکه» نام محلی که خانهٔ کعبه در آنجا بنا گردیده است.^۱

کعبه مایهٔ هدایت جهانیان

تعبیر آیهٔ فوق به جهانی بودن و تعلق نداشتن برکات حج به قشر یا گروهی خاص اشاره دارد.

«وُضِعَ لِلنَّاسِ» یعنی برای مردم. پس برکات حج برای قشری خاص نیست بلکه برای تمام مردم جهان است. «مُبَارَكًا»: یعنی نفع و سود آن مستمر و همیشگی است. این خانه برای همهٔ مردم مایهٔ هدایت است.

«هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»: حج مایهٔ هدایت و ره یافتگی است. مسئلهٔ هدایت در قرآن کریم جایگاهی ویژه دارد. گاهی خداوند قرآن را عامل هدایت معرفی می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۲ آن کتابِ با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایهٔ هدایت پرهیزکاران است. «یعنی دسته‌ای خاص (متقین) از هدایت قرآن بهره می‌برند. این تعبیر نه بدین معناست که قرآن فقط یک دسته را هدایت می‌کند بلکه به این مفهوم است که مردم خودشان در معرض هدایت قرآن قرار نمی‌گیرند؛ مثل این می‌ماند که خورشید می‌تابد و آفتاب روی زمین را به‌تمامی می‌گیرد اما کسانی که زیر سقف و سایه‌بانی هستند، نمی‌خواهند

۱- رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹-۱۱.

۲- سورهٔ بقره (۲)، آیهٔ ۲.

از نور خورشید استفاده کنند. قرآن هدایت است برای همه مردم اما دسته‌ای خودشان حجاب خوشتن‌اند و از نور قرآن بهره نمی‌گیرند. فقط متقین‌اند که خود را در برابر تابش هدایت قرآن قرار می‌دهند.

اما در این آیه مبارک کعبه «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» معرفی شده است. کعبه مایه هدایت جهانیان است؛ زیرا مردم از نقاط دور و نزدیک به این عبادتگاه بزرگ روانه می‌شوند و در مراسم باشکوه حج که از زمان ابراهیم علیه السلام همچنان رایج بود، شرکت می‌کنند. حتی عرب جاهلی نیز کعبه را گرامی می‌داشت و مراسم حج را از آن رو که آیین ابراهیم علیه السلام است، به جای می‌آورد، هرچند آمیخته با خرافات. با وجود این، تا حدود زیادی از کارهای نادرست خود موقتاً دست برمی‌داشت و به این ترتیب، از هدایت این خانه بهره‌مند می‌شد. جاذبه معنوی مکه چنان است که همه را بی‌اختیار متأثر می‌سازد.^۱

نکته‌ای دیگر که در تبیین «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» می‌توان گفت این است که حج سفری است جسمانی و روحانی؛ یعنی هم جسم انسان حرکت می‌کند و هم روحش. با توجه به برنامه عبادی سنگین حج، حاجی واقعی معنویتی بسیار را کسب می‌کند و در حالی به شهر خود باز می‌گردد که تحول یافته است. پس دیگر آن آدم قبلی نیست. اخلاقش عوض گردیده است، نورانی شده، عظمت پیدا کرده، نیروی ضمیرش زیاد شده، ایمانش را تقویت کرده و صفات و اخلاق ناپسند را از خود دور نموده است. وقتی مردم به دیدنش می‌آیند و از برکت دعای او بهره‌مند می‌شوند، در

۱- رک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴.

واقع به وسیله او هدایت می‌گردند و بدین‌سان هدایتش گسترده‌تر و فراگیرتر می‌شود.

کعبه، مرکز امنیت و آرامش

خداوند در آیه ۱۲۵ سوره بقره ویژگی‌هایی خاص از خانه کعبه را یاد می‌کند و می‌فرماید:

«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا...» (و به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم...»

«مثابه» در اصل از ماده «ثوب» به معنای بازگشت چیزی به حالت نخستین است. از آنجاکه خانه کعبه مرکزی بوده است برای موحدان که همه‌ساله به سوی آن روی می‌آوردند، نه تنها از نظر جسمانی بلکه از نظر روحانی نیز به توحید و فطرت نخستین بازمی‌گشتند.

خانه کعبه همانند خانه انسان که مرکز بازگشت همیشگی اوست، محل آرامش و آسایش است. در مفهوم واژه «مثابه» نوعی آرامش و آسایش خاطر نیز نهفته است. این معنا را کلمه «أَمْنًا» تأکید می‌کند. ترکیب اضافی «لِلنَّاسِ» نیز به‌طور خاص نشان می‌دهد که این مرکز امن و امان، پناهگاهی عمومی برای همه جهانیان است.^۱

حضرت ابراهیم علیه السلام در بین انبیا جایگاه و منزلتی خاص دارد. او در اسوه بودن همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله الگو و نمونه‌ای برای بشریت شناسانده شده است. خداوند در بزرگداشت این پیامبر بزرگوار تعابیری جالب به کار برده است و در برخی آیات قرآن کریم وی را در ردیف اخیار^۱، صالحان^۲، قانتان^۳، صدیقان^۴، صابران^۵ و وفاکنندگان^۶ می‌نهد. نیز یادآوری از خودگذشتگی‌های ابراهیم علیه السلام و زنده نگهداشتن ایثارگری‌های او و اسوه بودنش^۷ برخی از اسرار حج است.^۸

۱- سوره ص (۳۸)، آیه ۴۷: «وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ؛ و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند!»

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۳۰: «...وَأَنَّ فِي الْآخِرَةِ لِمَنِ الصَّالِحِينَ؛ ... و او در جهان دیگر از صالحان است.»

۳- سوره نحل (۱۶)، آیه ۱۲۰: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا...؛ ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا، خالی از هر گونه انحراف...»

۴- سوره مریم (۱۹)، آیه ۴۱: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا؛ در این کتاب، ابراهیم را یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر (خدا) بود.»

۵- سوره هود (۱۱)، آیه ۷۵: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ؛ چرا که ابراهیم، بردبار و صبور و بازگشت کننده (به سوی خدا) بود.»

۶- سوره نجم (۵۳)، آیه ۳۷: «وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى؛ و در کتب ابراهیم؛ همان کسی که وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد.»

۷- سوره ممتحنه (۶۰)، آیه ۴: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت...»

۸- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۹۶.

مقام ابراهیم علیه السلام

قرآن کریم نقش حضرت ابراهیم علیه السلام را در حج و بنای کعبه بسیار زیبا به تصویر کشیده و فرموده است:

«وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمَنًا وَ اتَّخَذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهِيْمَ مُصَلًّیً وَ عَهْدُنَا اِلٰی اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ اَنْ طَهَّرَا بَيْتِيْ لِلطَّائِفِيْنَ وَ الْعَاكِفِيْنَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُوْدِ؛^۱ (و به خاطر بیاورید هنگامی را که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم و (برای تجدید خاطره) از مقام ابراهیم عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.»

خداوند به عظمت و منزلت حضرت ابراهیم علیه السلام که خانه کعبه به دست ایشان ساخته و آماده شده است، اشاره می‌فرماید: «وَ اتَّخَذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهِيْمَ مُصَلًّیً؛ زیارت کنندگان خانه خدا، باید در مقام ابراهیم علیه السلام نماز بخوانند و این نشانه عظمت و منزلت ایشان است.

مقام ابراهیم علیه السلام جایگاهی است با فاصله تقریبی ۱۳ متر از کعبه که بر حاجیان لازم است بعد از طواف خانه خدا پشت آن دو رکعت نماز بگذارند. در آنجا سنگی قرار دارد که حضرت ابراهیم علیه السلام برای بالا بردن دیوارهای کعبه بر روی آن می‌ایستاد. آن سنگ در حال حاضر در محفظه‌ای نگهداری می‌شود.^۲

خانه خدا جایگاه طواف، اعتکاف، عبادت، رکوع و سجود است. عبادت و نماز در آنجا به قدری مهم است که

۱- سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۵.

۲- تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۹۹.

حتی ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام برای انجام مراسم آن مأمور به تطهیر می‌شوند،^۱ چنان‌که پروردگار می‌فرماید: «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».

دعاهای مهم حضرت ابراهیم علیه السلام

در قرآن کریم دعاهایی بسیار از حضرت ابراهیم علیه السلام نقل شده است. دعاهای ایشان بیشترین ادعیه قرآنی را تشکیل می‌دهد و نکات آموزنده بسیاری در آنها نهفته است. بنابراین، باید به آنها توجه شود و روش این پیامبر عظیم‌الشان الگویی همگان قرار گیرد. در ادامه، مهم‌ترین موضوعات نیایش‌های ابراهیمی را بررسی می‌کنیم:

۱- تقاضای امنیت و موهبت اقتصادی

در نیایش‌های حضرت ابراهیم علیه السلام مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری تمدن را می‌توان یافت. بخشی از تقاضاهای ایشان در این‌باره ناظر به ایجاد مدینه‌ای فاضله است. شاخص‌هایی چون آبادانی و عمران، آزادی و امنیت، اقتصاد سالم و... در این مبحث بسیار جالب است، چنان‌که در آیه ذیل به نقل از آن حضرت آمده است:

«وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا اَمِنًا وَاَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ اَمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَاَلْيَوْمِ الْاٰخِرِ...»^۲ (و به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده...».

۱- رک: اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۶.

حضرت ابراهیم علیه السلام در این نیایش دو امر مهم؛ یعنی امنیت و مواهب اقتصادی را برای ساکنان این شهر مقدس تقاضا می‌کند و این خود اشاره‌ای به این حقیقت است که تا امنیت در شهر یا کشوری حکم فرما نباشد، ایجاد اقتصاد سالم ممکن نیست.

مفسران در توضیح «ثمرات» گفتگوهایی دارند ولی ظاهراً این واژه معنایی وسیع دارد و هرگونه نعمت مادی اعم از میوه‌ها و دیگر مواد غذایی و نعمت‌های معنوی را شامل می‌شود.

امام صادق علیه السلام در توضیح این واژه می‌فرماید: «هی ثَمَرَاتُ الْقُلُوبِ؛ منظور میوه دل‌هاست»؛ به این معنا که خداوند محبت و علاقه مردم را به ساکنان این سرزمین جلب می‌کند.^۱

۲- درخواست پذیرش اعمال

عظمت روحی و دیدگاه وسیع این پیامبر بزرگ در ادامه تقاضاهایشان بیشتر روشن و واضح می‌گردد، آنجا که می‌فرماید:

«وَ اِذْ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲؛ (و نیز به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند (و می‌گفتند): پروردگار ما از ما بپذیر که به راستی تو شنوا و دانایی.»

از تعبیر «يَرْفَعُ» در این آیه چنین استنباط می‌شود که شالوده‌های خانه کعبه پیشتر وجود داشته و ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام آن‌ها را بالا برده‌اند.

۱- رک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۲.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۷.

ابراهیم علیه السلام بعد از درخواست پذیرش اعمال (تَقَبَّلْ مِنَّا) در پایان آیه می‌فرماید: «إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ یعنی از پروردگاری تقاضا می‌شود که شنوا و داناست؛ خدایی که هیچ شنیدنی او را از شنیدن دیگر باز نمی‌دارد: «يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ». اگر کسی با ما حرف بزند در همان حال حرف شخصی دیگر را نمی‌توانیم بفهمیم اما خداوند از این گونه محدودیت‌ها مبرا است. پروردگار همیشه سمیع و علیم است و این موضوع در مکه بیشتر درک می‌شود.

۳- تقاضای ذریه‌ای فرمان‌بردار و تسلیم خداوند

ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام به همراه فرزند برومندش در دعایی دیگر از خداوند چنین می‌خواهند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ»؛ پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشند به وجود آور.»

با آنکه حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هر دو در اجرای فرمان‌های الهی عالی‌ترین درجه تسلیم را به نمایش گذاردند، در این آیه از خداوند می‌خواهند که «ما را تسلیم فرمان خودت قرار بده». گویا از خداوند تسلیم بیشتر و یا تداوم این روحیه را می‌طلبند. در واقع، کسی که تسلیم پروردگار شود، در برابر احدی زانو نمی‌زند و از هیچ کس نمی‌هراسد و پیروی نمی‌کند.

در این نیایش از خداوند تقاضا می‌شود که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام مسلمان واقعی باشند. این دو بزرگوار در این

۱- عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر، فراز ۹۹.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۸.

نیایش از خود نیز فراتر رفته و درخواست‌شان را در حق نسل و ذریه‌شان روا داشته‌اند: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ؛ و از ذریه ما امتی که تسلیم فرمانت باشد، به وجود بیاور.» نکته قابل توجه این است که ابراهیم علیه السلام تنها به دعا کردن برای عاقبت به خیری بسنده نمی‌کند بلکه دعای ایشان با فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌ها در تربیت فرزند و خانواده و نیز اطاعت امر خداوند تبارک و تعالی همراه است. با توجه به دعای حضرت ابراهیم علیه السلام می‌توان گفت که توجه به نسل و فرزندان دورانیشی و ژرف‌نگری عاقلانه و خداپسندانه‌ای است که حاکی از وسعت نظر و سوز عشق درونی است.^۱ افزون بر این، دعای حضرت این نکته را یادآور می‌شود که تنها به خود و فرزندان بلاواسطه نباید اندیشید بلکه باید در اندیشه نسل خود تا روز قیامت بود که «أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ» باشند.

۴- آموختن چگونگی عبادت پروردگار

در جمله بعد ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا؟» طرز عبادت‌مان را به ما نشان بده». در تفسیر این جمله دو احتمال وجود دارد:

الف) مراد از «مناسک» در آیه مناسک و آداب حج است. چه بسا تقاضای حضرت درخواست شیوه تعلیم حج از خدا بوده است.

ب) مراد از «مناسک» همه وظایف دینی و اعمال عبادی است؛ یعنی از خدا درخواست می‌شود که شیوه عبادت و بندگی‌اش را به ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام بیاموزد.

۱- تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲- سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۸.

در مجموع، می‌توان گفت که «مناسک» همان روش و منش زندگی است؛ یعنی من وقتی می‌توانم ذریهٔ مسلمان داشته باشم که راهم را پیدا کنم، بدانم چگونه زندگی کرده‌ام، و تربیت صحیح فرزند را آموخته باشم تا نسل‌های بعدی من همه در مسیر تسلیم الهی باشند.

۵- پذیرش توبه

دعای دیگر حضرت ابراهیم علیه السلام درخواست پذیرش توبه است: «وَتُوبَ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ و توبه ما را بپذیر؛ که تو توبه‌پذیر و مهربانی.»

ابراهیم علیه السلام با اینکه به موقعیت حساس امامت رسیده و خطاب «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» را شنیده است، درخواست پذیرش توبه می‌نماید و این بدان جهت است که بندگان مقرب خدا به هر مقامی که می‌رسند به علت شناخت و معرفتی که دارند، خود را در پیشگاه خداوند ذلیل و مقصر می‌دانند و خویش را در برابر لطف بزرگی که خدا در حق آنان روا داشته است، شرمنده می‌بینند. از این رو، انجام وظیفه و عبادت‌های خود را شایستهٔ درگاه الهی نمی‌دانند و درخواست توبه می‌کنند.

۶- مبعوث کردن پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله

در آیهٔ بعد، ادامهٔ تقاضاهای این پیامبر بزرگ چنین آمده است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

۱- سورهٔ بقره (۲)، آیهٔ ۱۲۸.

۲- همان، آیهٔ ۱۲۴؛ من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!...

۳- سورهٔ بقره (۲)، آیهٔ ۱۲۹.

پروردگارا، در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار قادری).»
این آیه بیانگر عظمت فوق‌العاده روح ابراهیم خلیل‌الله علیه السلام و ترسیم‌کننده سوز و اخلاص درونی ایشان است. با اینکه خود در قید حیات است و از پیامبران برجسته الهی برای نسل‌های آینده دعا می‌کند که پروردگار در میان مردم و ذریه وی پیامبری از خودشان را مبعوث کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَنَا دَعَوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام؛ مِنْ (استجابت) دعای پدرم، ابراهیم هستم که فرمود: رَبَّنَا وَ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ».

اولویت‌ها در دعای حضرت ابراهیم عليه السلام در تعلیم و تربیت و تزکیه خلاصه می‌شود و این نشان‌دهنده ارزش و اهمیت این موارد است. این در حالی است که بیشتر افراد در این گونه مکان‌ها برای ثروت و مکننت و قدرت و سلامت و مانند آن دعا می‌کنند و کمتر به فکر پاک شدن و آدم شدن و ... می‌باشند.

از مجموع تقاضاهای این پیامبر بزرگ به خوبی استفاده می‌شود که ایشان الگو و اسوه‌ای برای همه حق‌طلبان جهان می‌تواند باشد و همگان می‌توانند از مکتب انسان‌سازی او استفاده کنند. لذا کسانی که از این آیین پاک و درخشان روی گردان باشند، سفیه و نادان‌اند^۱: «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ»^۲؛ و جز افراد سفیه و نادان چه

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۱؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ذیل آیه مورد بحث.

۲- رک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳- سوره بقره (۲)، آیه ۱۳۰.

کسانی از آیین ابراهیم (با آن پاکی و درخشندگی) روی گردان خواهد شد؟». «سفیّه» در قاموس قرآن به افرادی اطلاق می‌شود که حقایق را نادیده می‌گیرند و کفران نعمت می‌کنند و با رها کردن راه حق به بیراهه می‌روند.

تجلی حج ابراهیمی در برائت از مشرکین

یکی از ویژگی‌های ممتاز و برجسته ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام برائت و بیزاری وی از دشمنان است. کسانی که می‌خواهند فریضة الهی حج را با پیروی از ابراهیم بت شکن به جای آورند نباید تبرّی و بیزاری از مشرکان و دشمنان خدا را فراموش کنند. خداوند در این باره می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا...»^۱ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم علیه السلام و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم، ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است...».

در ادامه بحث مناسب است اندکی درباره اصل تولّی و تبرّی که از فروع دین اسلام است، گفتگو کنیم. یکی از سوره‌هایی که در این باره سخن گفته است، سوره ممتحنه است. این سوره بر گرد موضوع حب فی الله و بغض فی الله می‌چرخد. خداوند در ابتدای این سوره به مؤمنان دستور

۱- سوره ممتحنه (۶۰)، آیه ۴.

می‌دهد تا با دشمنان طرح دوستی نریزند و با شناخت توطئه‌های دشمنان از آن برحذر باشند؛ زیرا مسئله برائت و بیزاری از دشمنان جزء اساسی‌ترین دستورات دین ماست. طبق بیانات قرآن کریم ما باید دوستان خدا را بشناسیم و دوست بداریم و از دشمنان خدا هم بیزاری بجوییم. برخی می‌گویند باید با همه خوب بود و از در صلح و آشتی بیرون آمد و نباید با مطرح کردن تبری و دوری از دشمنان بین مردم تفرقه افکند، اما مگر می‌شود مؤمن با همه طرح دوستی بریزد حتی با دشمنان خدا و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام؟ مؤمن باید موضعش مشخص باشد.

در قرآن کریم از ابراهیم علیه السلام، پدر توحید، در زمینه برائت از دشمنان مطالب بسیار زیبایی آمده است که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

- ۱- بیزاری از شما (کافران) و آنچه غیر از خدا می‌پرستید: «إِنَّا بِرَأْوَا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...»
- ۲- کفر به شما: «كَفَرْنَا بِكُمْ» به این معنا که نه سخن شما را قبول داریم و نه عملتان را؛
- ۳- دشمنی آشکار بین من و شما تا روز قیامت ادامه دارد: «وَبَدَأَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا...».

نباید چنین تصور کرد که بیزاری از دشمنان فقط اختصاص به زمان ابراهیم علیه السلام دارد و یا خطاب به مشرکان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است. قرآن برای همه زمان‌هاست. امروز نیز در موسم حج به پیروی از شیوه حضرت ابراهیم علیه السلام باید از تفکرهای شرک‌آلود اعلان انزجار نمود و در برابر استعمار و استثمار طاغیان زمان فریاد کشید؛ چون مسلم است که آن‌ها لحظه‌ای از دشمنی‌های خود دست برنمی‌دارند.

گفتار سوم اهمیت و وجوب حج

حج عبادتی ارزشمند و مهم است که خداوند در بسیاری از آیات قرآن به ابعاد، اقسام، آثار، احکام و اسرار آن اشاره نموده است. در آیه ۹۷ سوره آل عمران وجوب حج این چنین بیان شده است:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»؛ برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند. آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند و هرکس کفر ورزد (و حج را ترک کند)، به خود زیان رسانده است؛ چراکه خداوند از همهٔ جهانیان بی‌نیاز است.»

این آیه شریفه بر وجوب حج تأکید می‌نماید و در اهمیت این عبادت همین مقدار بس که خداوند دربارهٔ تارکان حج تعبیر «وَمَنْ كَفَرَ» را به کار برده است که منظور در اینجا کفر عملی است نه اعتقادی.

جمله «فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» در ذیل آیه شریفه نیز

برای اظهار بی‌اعتنایی به تارک حج است؛ یعنی خداوند سبحان نه تنها از تارک حج بلکه از عالمیان بی‌نیاز است. سخنان معصومان علیهم‌السلام نیز درباره اهمیت حج و زیارت خانه خدا بسیار است. در ادامه به چند روایت اشاره می‌کنیم. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحْجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يُطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا؛ کسی که بمیرد و حج واجب خود را جز بر اثر گرفتاری یا بیماری سخت یا منع حاکمی ترک کرده باشد، به آیین یهود یا نصارا از دنیا برود.»

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَظَرُوا؛ خدا را، خدا را که خانه پروردگارتان را به فراموشی نسپارید و تا زنده‌اید آن را خالی نگذارید که اگر زیارت خانه خدا ترک شود، به شما مهلت داده نخواهد شد.»

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ؛ تا زمانی که کعبه برپاست (و مردم دور خانه خدا طواف می‌کنند)، دین هم برپاست.» یکی از سیاستمداران انگلیسی به نام گلدستون^۱ می‌گوید: «مادامی که مسلمانان قرآن می‌خوانند و طواف خانه خدا می‌کنند و نام محمد را هر صبح و شام بر مآذنه‌ها بر زبان می‌رانند، نصرانیت در خطر بزرگی است. بر شما باد که قرآن را بسوزانید و کعبه را ویران کنید و نام محمد را

۱- محمد بن یعقوب کلینی؛ فروع کافی، ج ۴؛ ص ۲۶۸، حدیث ۱.

۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۴۷، فراز ۵.

۳- ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۴، حدیث ۳۳۰۷.

۴- نخست وزیر انگلیس در اواخر قرن ۱۹.

از اذان محو سازید.»

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: به آن حضرت گفتم: شخصی (از نظر مالی یا جسمی) ناتوان است و با من درباره زیارت خانه خدا مشورت کرده است. من به او گفتم: حج را به جا نیاور. امام علیه السلام به من فرمود: «مَا أَخْلَقَكَ أَنْ تَمْرَضَ سَنَةً قَالَ فَامْرَضْتُ سَنَةً!»؛ چقدر سزاوار است که (به خاطر گفتن این سخن نادرست) یک سال بیمار شوی! یار امام می گوید: همین گونه نیز شد و من یک سال بیمار شدم^۱.

درباره عظمت و اهمیت فریضة حج همین اندازه بس که امام صادق علیه السلام می فرماید: آن هنگام که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عرفات می رفتند، صحرائشینی ایشان را ملاقات کرد و گفت: ای پیامبر خدا! من آهنگ حج نمودم ولی مشکلی پیش آمد و از حج باز ماندم. من مردی ثروتمندم. با داراییام چه کاری انجام دهم که به آنچه حج گزاران دست می یابند، برسم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به کوه ابوقییس رو نمود و فرمود: چنانچه هم سنگ کوه ابوقییس طلای سرخ داشته باشی و آن را در راه خدا انفاق کنی به آنچه حج گزاران دست یابند، نمی رسی^۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر عباراتی ارزشمند را در اهمیت حج بیان کرده اند که برخی از آن ها را نقل می کنیم:

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۴۸، ص ۱۳۷، حدیث ۱.
۲- ابن بابویه (شیخ صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، پاداش حج و عمره، ص ۱۲۲، حدیث ۸.

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأُبْشِرُوا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا بُتِرُوا وَافْتَقَرُوا؛ ای مردم! به حج خانه خدا بروید. هیچ خاندانی به خانه خدا وارد نمی‌شوند مگر آنکه مستغنی می‌گردند و شاد می‌شوند و هیچ خاندانی آن را ترک نمی‌کنند مگر آنکه تهی‌دست و فقیر می‌گردند.»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَيَّ وَقْتِهِ ذَلِكَ فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ؛ ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف حج (عرفات، مشعر و منی) وقوف نمی‌کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می‌آمرزد و هرگاه حجش پایان یافت حساب اعمالش مجدداً آغاز می‌گردد.»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ ای مردم! حاجیان کمک می‌شوند و آنچه خرج می‌کنند، به آنان باز می‌گردد و خداوند جزای محسنان را ضایع نمی‌نماید.»

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْهِ وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعٍ؛ ای مردم! با دین کامل و با تقوه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه برمگردید.»^۱

۱- محمد باقر انصاری، خطبه غدیر در آینه اسناد، ص ۳۱ و ۵۶، به نقل از صحیح (سنن) ترمذی، ج ۱، ص ۳۲.

گفتار چهارم

اسرار و آثار حج از منظر امام رضا علیه السلام

حج نیز مانند دیگر عبادات و فرایض با هدف اظهار عبودیت و بندگی خداوند متعال تشریح شده است. فرد مسلمان در ادای فریضه حج سر تسلیم به درگاه عبودیت فرود می‌آورد و بی‌چون و چرا از خداوند اطاعت می‌کند. این فریضه بزرگ نیز چون دیگر عبادات اسراری دارد و در هر یک از اعمال و مناسک گوناگون آن علت‌ها و حکمت‌هایی نهفته است؛ به‌طورمثال، حاجی با قربانی کردن به برکات زکات دست می‌یابد و با طواف و نماز به مزایایی که برای این عبادات شمرده شده است، نایل می‌شود. در ادامه بحث خود به روایتی گران‌سنگ از امام رضا علیه السلام می‌پردازیم که در بردارنده راز و رمزهای حج است و پرده از اسرار آن برمی‌دارد. ابتدا اصل روایت را نقل می‌کنیم و سپس به موضوع‌بندی آن می‌پردازیم.

امام رضا علیه السلام در روایتی مفصل که بخشی از آن را در ذیل می‌آوریم می‌فرمایند:

«إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْحَجِّ لَعَلَّ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ طَلَبِ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنَفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ إِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ تَعَبِ الْأَبْدَانِ وَ الْأَشْتَغَالِ عَنِ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ وَ حَظَرِ النَّفْسِ عَنِ اللَّذَاتِ شَاخِصًا فِي الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ ثَابِتًا عَلَى ذَلِكَ دَائِمًا مَعَ الْخُضُوعِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ وَ التَّدَلُّلِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنْ الْمَنَافِعِ لِجَمِيعِ مَنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يُحُجُّ وَ مِمَّنْ لَمْ يُحُجَّ مِنْ بَيْنِ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مِسْكِينٍ وَ مُكَارٍ وَ فَاقِرٍ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ فِي الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَ نَقَلَ أَخْبَارِ الْأُئِمَّةِ عليهم السلام إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَ نَاحِيَةٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ^١ - وَ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ^٢.

١- ورود به محضر خداوند

امام رضا عليه السلام در تبیین علت حج می فرماید: «إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْحَجِّ لَعَلَّ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟ هَمَانَا مُرَدَمٌ بِهِ حَجٌّ فَرْمَانٌ دَادَهُ شَدَّهُ ائِدَ بَرَايَ حَضُورِ دَرِ مَحْضَرِ خَدَاوَنَدِ وَ بَرَايَ فِتْنِ دَرِ دَرَبَارِ عِبُودِيَّتِ»؛ یعنی حج وارد شدن بر خداوند و به مهمانی او رفتن است.

کلمه «وفود» به معنای وارد شدن بر بزرگی است به نمایندگی و رسالت از طرف فردی یا گروهی.^٥

١- سورة توبه (٩)، آية ١٢٢.

٢- سورة حج (٢٢)، آية ٢٨.

٣- وسائل الشيعة، ج ١١، باب ١، ص ١٢، حديث ١٥.

٤- همان.

٥- فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، ج ٣، ص ١٩٥٤، ذيل مادة وفَدَ.

همه کسانی که از کشورهای مختلف به حج می‌روند گویی نماینده و سفیری‌اند که به سرزمین وحی اعزام می‌شوند. بنابراین، باید حجی را به جا آورند که قرآن بدان سفارش فرموده است: «وَأَتُمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ؛» و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید؛ یعنی جز انگیزه الهی و قصد تقرب به ذات پروردگار نباید انگیزه دیگری باشد.

به این ترتیب، هر حاجی در حقیقت، نه تنها به نمایندگی از جامعه خویش بلکه به نمایندگی از مسلمانان جهان در کنگره بزرگ جهانی حج شرکت می‌کند. طبیعی است وقتی چند میلیون نفر به نمایندگی از بیش از یک میلیارد مسلمان در آن کنگره باشکوه شرکت می‌کنند، باید مسائل و مشکلات جهان اسلام را مطرح کنند و موضعی واحد را در برابر دشمنان بگیرند و اتحاد خود را حفظ نمایند. لذا حاجیان در کنگره عظیم حج فقط به دعا برای خود بسنده نمی‌کنند بلکه نیازها و حاجات همه مسلمانان را به پیشگاه پروردگار عرضه می‌دارند.

پسندیده است هنگامی که حاجی یا عمره‌گزار وارد مسجد الحرام می‌شود و خانه کعبه را در برابر خود می‌بیند به زمین بیفتد و سجده طولانی کند و سپس سه حاجت داشته باشد:

- درخواست فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ وقتی این حاجت برآورده شود همه گرفتاری‌ها برطرف می‌شود.

- طلب پیروزی اسلام و مسلمانان

- طلب معرفت برای خود و تمام مسلمانان

اگر قلوب به نور معرفت خداوند متعال و انبیا و اولیای خدا و ائمه اطهار علیهم السلام روشن شود، بلافاصله محبت می‌آید و هرچه معرفت بیشتر باشد، محبت نیز بیشتر است. حاجی باید این تقاضاها را برای کل جامعه اسلامی بنماید و سپس در خواست‌های خود را مطرح کند.

گفتیم حج ورود و وفود بر پروردگار است، آن هم به نیابت از تمام مسلمانان. حضرت رضا علیه السلام نحوه ورود به محضر خدای عزوجل و حالات ویژه این وافدین را تبیین فرموده‌اند. طبق دستور اسلام حاجی بدون احرام به منطقه حرم و مسجدالحرام وارد نمی‌شود بلکه باید قبل از ورود، در یکی از میقات‌ها^۱ محرم شود. امام رضا علیه السلام در بخشی دیگر از همین روایت فلسفه محرم شدن را چنین بیان کرده است:

«وَأَمَّا أَمْرُوا بِالْأَحْرَامِ لِيَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ اللَّهِ وَأَمْنَهُ وَلَسَلَّ يَلْهَوُا وَيَسْتَغْلُوا بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ لَذَاتِهَا وَ يَكُونُوا جَادِّينَ فِيمَا هُمْ فِيهِ قَاصِدِينَ نَحْوَهُ مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكُلِّيَّتِهِمْ ... وَ وَفَادَتِهِمْ إِلَيْهِ رَاجِحِينَ ثَوَابَهُ رَاهِبِينَ مِنْ عِقَابِهِ»^۲؛ همانا حجاج از آن رو به احرام و محرم شدن امر شدند تا پیش از ورودشان به حرم امن الهی خشوع قلبی بیابند و به چیزی از امور دنیا و لذات آن سرگرم نشوند و به‌سوی آنچه تصمیم رفتن به سوی او گرفته‌اند، به‌طور جدی و با تمام وجود روی بیاورند و به نزد حضرت حق در حالی بروند که به ثوابش امیدوار باشند و از عتابش خائف و بیمناک.

۱- میقات محلی است که حجاج از آنجا محرم می‌شوند و لیبک می‌گویند. حاجیانی که از مدینه منوره عازم سرزمین وحی می‌شوند از مسجد شجره و حجاج مدینه بعد از مسجد جعفه که بین راه جده و مکه است، محرم می‌شوند.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱، ص ۳۱۴، حدیث ۳.

بنابراین، حرکت به سوی حق تعالی بریدن از تمام دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌ها را می‌طلبد؛ یعنی یک نوع وارستگی از هر نوع وابستگی. زائر خدا باید با چنین آمادگی و وارستگی آهنگ کوی محبوب کند و با قلبی خاشع و خاضع نزد خدا وارد شود و با تصمیم جدی و با تمام وجود به سوی خانهٔ یار رود و این همان لیکی است که از ابتدا برای این سفر گفته است. در واقع، وقتی حاجی لیکی می‌گوید اعلام می‌کند که آهنگ حرکت به سوی محبوب دارم:

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند

فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند

مسئلهٔ لیکی و اعلام ورود بسیار سنگین است. امام صادق علیه السلام هرگاه تصمیم می‌گرفتند که تلبیه بگویند و مُحرم شوند، صدایش در گلو قطع می‌شد، به خود می‌لرزید و می‌فرمود: می‌ترسم بگویم «اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و جواب بیاید: «لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ».

حاجی با ورود به حرم و با یادآوری صفات خدا و درک بزرگی درگاه حق چون قطره‌ای غرق در اقیانوس عظمت الهی می‌گردد. از این رو، توصیه می‌گردد حاجیان دعای جوشن کبیر را در مسجد الحرام و دعای یستشیر را نزدیک مستجار بخوانن؛ از طواف خانهٔ کعبه غافل نشوند و تا می‌توانند طواف کنند و چون به در خانهٔ کعبه رسیدند بگویند: «سَأَلْتُكَ فَقِيرُكَ مَسْكِينُكَ بَبَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ»^۲.

۱- ابن بابویه (شیخ صدوق)، الامالی، ترجمة آیت الله کمره‌ای، مجلس ۳۲، ص ۱۶۹، حدیث ۳.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۳، (الطواف)، ص ۴۲۷.

۲- تقاضای افزونی ارزش‌های اخلاقی و انسانی

امام رضا علیه السلام علت دیگر حج را افزون‌خواهی از عنایات خداوند متعال می‌داند و می‌فرماید: «وَطَلَبِ الزِّيَادَةِ». یکی دیگر از برکات حج، رشد و افزایش فضایل اخلاقی و ارزش‌های اسلامی است.

حاجی چون احرام می‌بندد، در پی زیاده‌خواهی دنیایی نیست. مُحْرَم شدن به او می‌آموزد که از یک سلسله لذیذی که حرام است خودداری کند؛ کنترل زبان داشته باشد؛ دلبسته زینت‌های دنیا نباشد.

از دیگر برکات حج بالا رفتن سطح آگاهی‌ها و اطلاعات سیاسی و ارتقای فرهنگ و اقتصاد جامعه بزرگ اسلامی است. لذا می‌بینیم در مکه کنفرانس‌ها و گردهمایی‌ها برگزار می‌شود و از دانشمندان علوم مختلف، متخصصان و سیاست‌مداران برای مبادله دانش‌ها و تخصص‌ها دعوت می‌شود و حتی برای مبادله کالاها برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد، چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «... فَجَعَلَ فِيهِ الْأَجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْعَرَبِ لِيَتَعَارَفُوا وَلِيُنَزِعَ كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التِّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ...»؛ خداوند (مکه) را مرکز گردهمایی و اجتماع مسلمانان شرق و غرب قرار داد تا در آنجا با یکدیگر و با توانایی‌ها و تخصص‌های هم آشنا شوند و هر ملت کالای بازرگانی شهر و دیار خویش را به جای دیگر صادر کند.»

به این ترتیب، می‌بینیم که کنگره عظیم حج به منزله سکویی است که همه افراد جامعه اسلامی می‌توانند از بلندی آن به بالاترین سطح فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و

نظامی جهان ارتقا یابند. این چنین است که مفهوم حقیقی آیه مبارکه «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» مصداق پیدا می کند.

۳- خارج شدن از هر ناپسندی

«وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِبًا مِمَّا مَضَى؛ بیرون آمدن از همه گناهان گذشته (و شروع کردن زندگی آینده از نو)»

یکی دیگر از علت های حج توبه از گناهان و تلاش کردن برای جبران آن ها در آینده است.

«اقتراف» به معنای اکتساب است. در حدیث آمده است: «إِيَّاكُمْ وَاقْتِرَافِ الْأَثَامِ؛ پرهیزید از انجام گناه». حاجی از هر نوع صفات و اخلاق ناپسند و گناه و وابستگی های غیر شرعی و اسلامی خارج می شود.

همان طور که می دانید اسلام برخلاف جوامع صنعتی امروز به انسان به عنوان یکی از وسایل و ابزار تولید نگاه نمی کند بلکه قبل از اینکه به ساختن زندگی مادی و تمدن صنعتی او توجه کند، به ساختار روحی و معنوی او عنایت دارد. به همین دلیل در حج، فقط منافع و ابعاد زندگی مادی مطرح نمی شود بلکه بیش از آن به بازسازی شخصیت انسانی توجه شده است. در این رابطه امام هشتم علیه السلام حج را پالایشگاه روح از آلودگی های گناه می شمارد.

پس از اتمام اعمال حج و در صورت رعایت تقوا مغفرت الهی شامل حال حاجی می شود چنان که در سوره بقره

۱- سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹: «... و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!».

۲- مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۴۶۹، ذیل ماده قرف.

آیه ۲۰۳ آمده است :

«وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى...» و خدا را در روزهای معین یاد کنید (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه) و هر کس شتاب کند (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست برای کسی که تقوا پیشه کند...».

این آیه شریفه به قسمتی از اعمال حج (برنامه ذکر پروردگار) پس از عید قربان اشاره می‌نماید. مراد از «ایام مَعْدُودَاتٍ»، روزهایی است که در لسان روایات «ایام تشریق» نامیده شده است و همان‌گونه که از نامش پیداست، ایامی است روشنی‌بخش و مراسمی عالی که روح و جان انسان در پرتو آن روشن می‌گردد. جمله «فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» ممکن است به معنای نفی مطلق گناه از زائران خانه خدا باشد؛ یعنی پس از انجام مناسک حج که از روی ایمان و اخلاص و توجه انجام شده است، همه آثار گناهان پیشین و رسوبات معاصی از دل و جان آنها شسته می‌شود و با روحی پاک از آرایش گناه از این مکتب بزرگ تربیتی بیرون می‌آیند. جمله «لِمَنِ اتَّقَى» مؤید این است که باید به همراه اعمال حج، تقوا رعایت شود.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْحَاجُّ يَصْدُرُونَ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يُعْتَقُ مِنَ النَّارِ وَصِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَصِنْفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ فَذَاكَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ»؛ حج گزاران هنگام بازگشتن سه

۱- رک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱ و ۴۲.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۲۲، حدیث ۹.

دسته‌اند: دسته‌ای از آتش دوزخ رهایی می‌یابند؛ و دسته‌ای مانند روزی که از مادر متولد شده‌اند از گناهان درمی‌آیند؛ و دسته‌ای دیگر، خانواده و دارایی ایشان محفوظ می‌ماند و این کمترین بهره‌ای است که از آن حج‌گزاران می‌شود.

در روایتی دیگر از ایشان آمده است: «الْحَاجُّ إِذَا دَخَلَ مَكَّةَ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكَينَ يَحْفَظَانِ عَلَيْهِ طَوَافَهُ وَصَلَاتَهُ وَسَعْيَهُ فَإِذَا وَقَفَ بَعْرَفَةَ ضَرَبَا عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ قَالَا أَمَا مَا مَضَى فَقَدْ كُفِّتَهُ فَأَنْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ؛ چون حج‌گزار به مکه درآید، خداوند گرامی و بزرگ دو فرشته را بگمارد که طواف و نماز و سعی او را برشمارند و بنویسند و آن‌گاه که در عرفه وقوف کند، بر شانه راست او زنند و گویند: گذشته‌ها را برطرف نمودیم (گناهان پیشین تو را بخشودیم) بنگر که در آینده چگونه خواهی بود.»

به‌راستی بعضی از حجاج چون حج و عمره‌شان تمام می‌شود، بخشوده شده‌اند، به طوری که تحوّلشان کاملاً محسوس است؛ نه تنها ظاهرشان نورانی شده است بلکه اخلاق و برخوردشان نیز کاملاً عوض می‌شود؛ برای مثال حق‌شناس می‌شوند و حقوق دیگران را به‌راحتی پایمال نمی‌کنند، درحالی‌که این افراد پیشتر همان‌هایی بودند که زبانشان به بذله‌گویی و لغوگفتن، سخن بیهوده‌گفتن، دل‌شکستن و دروغ و غیبت و ... عادت داشت. پس هدایت حج، عملی است؛ یعنی حاجی با عمل مردم را هدایت می‌کند. با این توضیحات مسئولیت حجاج چندین برابر می‌شود.

۴- خرج کردن اموال و به رنج افکندن بدن‌ها

«مَعَ مَا فِيهِ مِنْ إِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَتَعَبِ الْأَبْدَانِ؛ در حج انسان به بذل مال موفق می‌شود و بدنش به رنج و زحمت می‌افتد.»

از فواید مهم حج این است که انسان مال را از خودش دور می‌کند (استخراج اموال دارد)؛ زیرا یکی از خصلت‌های زشتی که باعث انحراف انسان از مسیر فطری و الهی می‌شود، دنیامحوری و پولپرستی است. گروهی دنیا و مادیات را محور همه چیز قرار می‌دهند و هر حرکت و خدمتی که انجام می‌دهند و هر راهی که طی می‌کنند، همه برای منافع مادی دنیا و لذت‌های زودگذر آن است. چقدر ما در زندگی برای اینکه ساعتی را خوش بگذرانیم، مصرف اضافی و بیهوده داریم! باید برنامه و مقرراتی داشته باشیم که گاهی هرچند موقت، کار و مخارج، ما را از دنیاگرایی به سوی خداگرایی بکشاند. گرچه متأسفانه در سفرهای حج این فرمایش ائمه عليهم السلام به کار بسته نمی‌شود و چه بسا آنجا نیز مال‌اندوزی و زرق و برق دنیا خود را نشان می‌دهد. این‌ها همه انسان را به جای سیر الی‌الله به سوی دنیاگرایی می‌کشاند. حج گروهی در آخرالزمان برای این امور است. رسول الله صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «يَأْتِي عَلِي النَّاسَ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُزْهَةً وَحَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَحَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً؟» زمانی بر مردم فرامی‌رسد که حج زمامداران برای تفریح و حج ثروتمندان برای تجارت و حج بینوایان برای گدایی است.»

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۳، حدیث ۱۵.
۲- محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تهذیب الاحکام، ج ۵، باب ۲۶، ص ۴۶۳، حدیث ۲۵۹.

۵- دور کردن نفس از لذت‌ها و دلبستگی‌ها

«وَالْاِسْتِغَالَ عَنِ الْاَهْلِ وَالْوَالِدِ وَحَظْرِ النَّفْسِ عَنِ اللَّذَاتِ
شَاخِصًا فِي الْحَرِّ وَالْبُرْدِ؛ از سرگرمی زن و فرزند بیرون آیند
و نفس را از لذت‌ها دور نگه دارند درحالی که گرما و
سرما را تحمل کنند.»

حج انسان را از مشغول شدن به زن و فرزند باز می‌دارد و
او را از شهوات و لذات دنیوی جدا می‌کند. رفتن به خانه
خدا و انجام اعمال حج در روح و جان افراد تأثیر می‌گذارد
و هوای نفسانی او را کنترل می‌کند. حاجی در میدان جهاد
اکبر قرار می‌گیرد و خود را برای مبارزه‌ای سخت با
نفس‌اماره آماده می‌کند.

انسان در طریق حاجی شدن باید آن‌گاه که لباس بی‌نشان
احرام را به تن می‌کند، نیرنگ‌ها را بزداید و با سپیدی
همراه شود و مبارزه با آفت‌های اخلاقی را تمرین و تجربه
کند. آن که می‌خواهد حاجی شود باید:

- ۱- از خودبینی و خودآرایی پرهیز کند.
- ۲- از راحت‌طلبی و عافیت‌خواهی به‌دور باشد.
- ۳- از خودآزاری و دیگرآزاری اجتناب ورزد.
- ۴- از اندیشه تخریب و تهاجم و پرخاشگری آزاد باشد.
- ۵- از غلیان هوس‌ها و کشش‌های جنسی رها گردد.
- ۶- از تفاخر و برتری‌طلبی و خودبزرگ‌بینی تبری جوید.
- ۷- از تظاهر، تزویر، تحقیر و توهین جدا باشد.

۶- استمرار بخشیدن به دستاوردهای حج

«ثَابِتًا عَلٰی ذٰلِكَ دَائِمًا؛ حاجیان آن ارزش‌های اخلاقی و تربیتی را که در حج به دست آورده‌اند، فراموش نکنند و آن اعمال و ارزش‌ها را استمرار و تداوم بخشند.»

مهم‌ترین دستاورد و نتیجه حج این است که وقتی حجاج از این مراسم باشکوه برمی‌گردند، آنچه می‌آورند، عاید جامعه می‌شود. حجاج باید بدانند اعمال و مناسکی را که در حج انجام می‌دهند و ارزش‌های اخلاقی را که در عمل پیاده می‌کنند، در خود نهادینه کنند و ثابت گردانند.

قرآن می‌فرماید: «وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»؛ در حج، گناه و جدال نیست.»

حاجیان باید از نظر اخلاقی کاملاً شایسته باشند. در حج جای دعوا و نزاع و بدبینی نیست. بدخواهی، غیبت، تهمت و دروغ‌گویی در حج جایی ندارد. زائران خانه خدا این امتیازات و ارزش‌های اخلاقی را در عمل پیاده می‌کنند و آن روحانیت و معنویت را که از سفر حج به دست می‌آورند، همه را برای خود ثابت و مستمر نگه می‌دارند. اینان باید تصمیم‌هایی را که در حج در برابر دشمنان گرفته‌اند، تا پایان یافتن حج نه تنها به دست فراموشی نسپارند بلکه در بازگشت نیز آن اعمال و ارزش‌ها را استمرار بخشند.

یکی از وظایف حاجی هنگام رفتن به حج فارغ‌الذمه شدن وی از حقوقی است که از طرف خدا و مردم بر عهده اوست. او باید نمازها و روزه‌های قضایش را تا می‌تواند جبران کند؛ خمس و زکات مالش را محاسبه کند و پرداخت نماید. پس از طلب حلالیت از دیگران سعی کند دیگر مرتکب غیبت، تهمت،

بدبینی و بدگویی نشود و حقوق دیگران را پایمال نکند. توجه دقیق به این مسئله یکی از مراحل مهم آمادگی حج است. حاجی در صورتی در حج خود توفیق یافته است که مردم به هنگام بازگشت و دیدار وی متوجه تغییرات و مؤدب شدن او به آداب اسلامی و متخلق شدنش به اخلاق الهی شوند. رفتن و آمدن او برای مردم درس است. همه به وسیله این حاجی هدایت می‌شوند. در هر سال جمعی از حاجیان آگاه و متعهد و ساخته شده از هر شهر و دیار به میان مردم و جامعه‌شان برمی‌گردند و به تدریج بر دیگران اثر می‌نهند؛ مثل رودهایی خروشان که به‌طور مستمر در دریاچه کوچک می‌ریزند و در کیفیت آب آن اثر می‌گذارند. این است معنای «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» که در انتهای آیه ۹۶ از سوره مبارکه آل‌عمران آمده است.

۷- تواضع و فروتنی

«مَعَ الْخُضُوعِ وَالْإِسْتِكَانَةِ وَالتَّذَلُّلِ»

در این جمله از حدیث امام رضا علیه السلام، به اوصافی از حاجی اشاره می‌شود که از نظر معنا به هم نزدیک و تقریباً مترادف‌اند.

خضوع به معنای تواضع و فروتنی^۱، اما در مرتبه بالاتری از آن قرار دارد؛ زیرا علاوه بر افتادگی و فروتنی، حالت تسلیم و رضا نیز در آن نهفته است.^۲ «إِسْتِكَانَةٌ» بنابر یک نظر از ماده «سکون» به معنای ساکن شدن در هیئت خضوع و خشوع است و حالت تواضع بنده را در برابر پروردگار منعکس می‌کند.^۳

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۷۲.

۲- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۷۷.

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۸۷.

«تَذَلُّلٍ» از ماده «ذَلَّ» به معنای زبونی و خواری است که
بر اثر فشار و ناچاری رخ می‌دهد.^۱

در اینجا شاید مراد این باشد که حاجی در درون جان
خود خویش را ذلیل بداند و نفسش را خوار کند که این
عملی است پسندیده.

بنابراین، از اسرار مهم حج تواضع و خشوع است. حج
اوج تجلی خشوع و خضوع در برابر خداوند و میدان بندگی
تمام عیار انسان در برابر خالق یکتاست. امام علی علیه السلام در
بیان عظمت فریضه حج می‌فرماید: «وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ
بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي ... جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عَلَامَةً لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ
وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ؛ خداوند متعال حج بیت‌الله الحرام را بر شما
واجب گردانید و آن خانه را قبله مردم قرار داد... خداوند
سبحان آن خانه را برای فروتنی مردم در مقابل عظمت و
بزرگی‌اش و برای تصدیق آنان به عزت و سلطنتش علامت
و نشانه قرار داد.

خداوند سبحان حج را علامت فروتنی در برابر عظمتش
قرار داده و نشانه‌ای از اعتراف به عزتش؛ زیرا مناسک و
مراسم حج مشتمل بر اعمال و رفتار بسیار متواضعانه‌ای
است که در برابر حق انجام می‌شود و هیچ عبادتی در میان
عبادات تا این حد نشانه‌های تواضع در آن نمایان نیست.
احرام بستن و از تمام لباس و زر و زیورها دل‌کندن؛ طواف
خانه خدا؛ سعی صفا و مروه؛ وقوف در بیابان عرفات و
مشعر و منی؛ رمی جمرات؛ تراشیدن سر و ... همه اعمالی
است متواضعانه که در برابر عظمت پروردگار انجام

۱- ابوالقاسم راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه اول، فلسفه الحج، ص ۴۰، عبارت ۵۱.

می‌گیرد و به‌راستی غرور و تکبر و نخوت هر انسانی را درهم می‌شکند.^۱

حج گزار پس از بازگشت نیز تواضع و فروتنی و خضوع و خشوع را در زندگی رعایت می‌کند. خشوع محک عبادت انسان است و تنها عبادتی پذیرفته است که خاشعانه باشد. شرط قبولی حج تواضع و فروتنی است. اگر انسان به حج برود، اما باز هم خود را از بقیه بهتر و بالاتر بداند و با عبادتش خود را طلبکار بینگارد، معلوم است که حش قبول نشده است.

۸- تقویت بنیان‌های اقتصادی جهان اسلام و تأمین منافع

مسلمانان

«مَعَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ لِجَمِيعِ مَنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحُجُّ وَ مِمَّنْ لَمْ يَحُجَّ مِنْ بَيْنِ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مُسْكِينٍ وَ مُكَارٍ وَ فَقِيرٍ وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ فِي الْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهِ؛ علاوه براین، سودهایی است که برای همهٔ مردمان مشرق و مغرب زمین دارد و برای کسانی که در دریا زندگی می‌کنند یا در خشکی، خواه حج بگذارند یا نه، از بازرگان و واردکننده و فروشنده و خریدار گرفته تا دست‌فروش و افراد مستمند نیز سبب برآوردن نیازمندی‌های مردمان سرزمین‌هاست که همه در جایی فراهم می‌آیند که امکان این فراهم آمدن در آنجا وجود دارد.»

منافع حج بسیار است: دنیوی و اخروی؛ از توسعهٔ مال گرفته تا حفظ از آفات، و سلامتی از بلیات و مغفرت از

۱- ناصر مکارم شیرازی، پیام امام‌المؤمنین (علیه‌السلام)، ج ۱، ص ۲۵۶.

معاصی و عفو الهی و برآورده شدن حوائج و دستیابی به حسنات و پاداش‌های فراوان. اما به نظر می‌رسد با توجه به قرائن کلام (تاجر و کاسب) مراد از منافع حج در این بخش از روایت علی بن موسی الرضا علیه السلام، سودها و فواید فراوان اقتصادی باشد.

بنابراین، فایده دیگر کنگره عظیم حج، پیریزی یک جامع اقتصاد اسلامی و تقویت پایه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی است. مسلمانان می‌توانند در آن اجتماع بزرگ، پایه بازار مشترک اسلامی را بگذارند و زمینه‌های مبادلاتی و تجاری را در میان خود به گونه‌ای فراهم سازند که منافع‌شان به جیب دشمنان نریزد و اقتصادشان وابسته به اجانب نباشد. ممکن است به نظر آید پرداختن به مسائل اقتصادی در کنار عبادات بزرگی مانند حج جلوه‌ای از دنیاپرستی است اما باید گفت بنابر متون دینی، این کار عین عبادت و جهاد است.^۱

در زمان جاهلیت هنگام انجام مراسم حج، معامله و تجارت و مسافربری و بارکشی را حرام می‌دانستند و آنان که چنین می‌کردند، حجاجان را باطل می‌شمردند. افراد در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله در ایام حج منتظر بودند بدانند آیا احکام جاهلی همچنان امضا می‌شود یا از نظر اسلام بی‌ارزش اعلام می‌گردد. آیه ۱۹۸ سوره مبارکه بقره به این سؤال افراد پاسخ داد: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ...» گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید (که یکی از منابع حج، پیریزی یک اقتصاد صحیح است)...

۱- رک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۸۱.

آیهٔ فوق حکم جاهلی یعنی گناه بودن معامله در ایام حج را نادرست می‌داند و اعلام می‌کند که در آن موسم هیچ‌گونه مانعی از معامله و تجارت نیست و مردم می‌توانند از فضل خدا بهره‌مند گردند و سودی به‌دست آورند.

مسافرت مسلمانان از نقاط مختلف دنیا به‌سوی خانهٔ خدا و تشکیل آن کنگرهٔ عظیم اسلامی می‌تواند پایه و اساسی برای جهش اقتصادی عمومی در جوامع گردد؛ به این ترتیب که مغزهای متفکر اقتصادی اسلام پس از مراسم حج یا قبل از آن دور هم بنشینند و با همفکری و همگامی پایهٔ محکمی برای اقتصاد جوامع اسلامی بریزند و با مبادلات صحیح تجاری چنان اقتصادی نیرومند به وجود آورند که از دشمنان و بیگانگان بی‌نیاز گردند.

بنابراین، معاملات و مبادلات تجاری در ایام حج یکی از راهکارهای تقویت جامعهٔ اسلامی در برابر دشمنان است؛ زیرا هیچ ملتی بدون داشتن اقتصادی نیرومند، استقلال کامل نخواهد داشت. البته بدیهی است که فعالیت‌های تجاری باید تحت الشعاع جنبه‌های عبادی و اخلاقی حج باشد نه حاکم و مقدم بر آن‌ها. خوشبختانه مسلمانان بعد از اعمال حج برای این کار وقت کافی دارند.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَحَلَّ الرَّجُلُ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ قَضَى نُسُكَهُ فَلْيَشْتَرِ وَ الْيَبِعْ فِي الْمَوْسِمِ؟» هنگامی که انسان از احرام بیرون آمد و مناسک حج را به جا آورد، در همان موسم حج خرید و فروش کند.»

این موضوع نه تنها گناه نیست بلکه ثواب نیز دارد. اگر مسلمانان از این فرصت بزرگ برای حل مشکلات گوناگون

۱- رک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۲۲، ص ۶۰، حدیث ۷.

جامعه اسلامی به خصوص مسائل اقتصادی استفاده کنند، این عبادت می‌تواند از هر نظر مشکل‌گشا باشد. توجه مسلمانان از نقاط مختلف جهان به سوی مکه سبب جلب منافع و توسعه عواید و رشد اقتصادی در آن سرزمین خواهد شد. برای برگزاری کنگره عظیم حج بسیاری از بازرگانان و تجار اعم از مسلمان و غیرمسلمان اقدام به ورود کالا از اقصی نقاط جهان به مکه می‌نمایند و نیز از لحاظ خرید و فروش کالاها و محصولات این سرزمین نظیر فروش گوسفند و شتر برای قربانی، تا آخرین روزهای حج دادوستد دایر است.

۹- گسترش جهانی سخنان معصومان علیهم‌السلام

«مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَ نَقَلَ أَخْبَارَ الْأُمَّةِ علیهم‌السلام إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَ نَاحِيَةٍ؛ در حج تفقه و آشنایی با دین و نقل اخبار ائمه علیهم‌السلام به سایر نقاط جهان نهفته است.»

«صُفْع» در لغت به معنای ناحیه و منطقه‌ای از بلاد است. به معنای جهت و محله هم آمده است.^۱

بخشی مهم از فلسفه حج در ملاقات با امام معصوم علیه‌السلام محقق می‌شود. حجاج در زمان ظهور ائمه علیهم‌السلام تا آنجا که می‌توانستند و آزاد بودند، خدمت این بزرگواران می‌رسیدند؛ زیرا کمال حج در دیدار و ملاقات با امام علیه‌السلام است. به یقین، این دیدارها و گفتگوها برکات فراوانی داشته است؛ از جمله: تبیین خطوط سیاسی اسلام اعم از سیاست داخلی و خارجی؛ تبیین فقه و فرهنگ اسلامی و مسائل اخلاقی و تربیتی و... رسالت و وظیفه مهم حجاج پس از این دیدارها و بازگشت به شهر و دیارشان این است که آنچه شنیدند

۱- مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۰۳۹.

و دیدند به دیگران برسانند، چنان که تأکید نبی اکرم ﷺ در خطبه غدیر این است که این واقعه عظیم را به دیگران ابلاغ کند: «...فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.»

امامان معصوم عليهم السلام در کنگره عبادی، سیاسی و اجتماعی حج و به‌ویژه از مکان‌هایی همچون منی و عرفات برای رساندن سخنان خود استفاده می‌نمودند؛ برای مثال، امام حسین عليه السلام برای اینکه قیام و فریاد خود را به گوش امت اسلامی برساند، مراسم حج و شهر مکه را انتخاب فرمود و در اجتماعات حجاج سخنرانی‌های افشاگرانه خود را سازمان داد.^۱ حضرت ثامن الحجج عليه السلام در ادامه فرمایش خود برای بیان اهمیت رسالت حجاج و رفتار آگاهانه و مسئولانه در بازگشت از حج با استناد به قول خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؟» شایسته نیست مومنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا که از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان خداوند) بترسند و خودداری کنند!»

بر طبق آیه شریفه هدف از فراگیری فقه، هشدار مردم و هوشیار ساختن آنان و نجات از غفلت و بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات است.^۲

۱- خطبه غدیر در آینه اسناد، ص ۲۶.

۲- محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین عليه السلام، ص ۲۹۴، حدیث ۱۷۵ و ...

۳- سوره توبه (۹)، آیه ۱۲۲.

۴- تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۵۰.

بنابر فرمایش امام رضا علیه السلام رسالت سنگین عالمان و فقیهان در بیداری و آگاهی افراد بر دوش حاجیان نیز می‌باشد. به دلیل همین آثار و برکات عظیم است که همیشه استکبار جهانی و ستمگران نمی‌گذاشتند ائمه علیهم السلام در سفر حج شناخته شوند. نقل است که هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی، در یکی از سفرهای حج با اطرافیانش بود. در طواف خانه هرچه سعی کرد که استلام حجرالاسود کند به دلیل ازدحام نتوانست. در آن هنگام امام زین العابدین علیه السلام با وقار تمام وارد مسجدالحرام شدند و طواف خانه خدا را آغاز کردند. همین که به حجرالاسود رسیدند، مردم به احترام ایشان راه را باز کردند و با ملاحظه هیبت و جلالت آن حضرت از کنار حجرالاسود دور شدند تا ایشان به راحتی استلام کنند و اعمالشان را به خوبی انجام دهند. جمعی که اطراف هشام بودند، از او پرسیدند که او کیست؟ گفت نمی‌شناسم و حال آنکه امام را می‌شناخت. فرزدق، شاعر بزرگ عصر اموی، که در آن مکان حاضر بود این سخن را شنید و ابیاتی را سرود که شاهکار ادبیات عرب است و بیانگر مقام و جایگاه امام^۱.

قصد هشام از این کار چه بود؟ او چنین کرد تا مردم امام سجاد علیه السلام را نشناسند و اطراف ایشان را نگیرند و استفاده لازم را از ایشان نکنند. در پایان این گفتار یادآوری این نکته ضروری است که فقط در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود که به دلیل درگیری عباسیان و امویان با یکدیگر شرایط برای آن دو امام مساعد گشت و این دو بزرگوار توانستند از موقعیت استفاده کنند.^۲

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۲۶۷.
 ۲- در مورد جنگ‌های بنی‌امیه و روی کار آمدن عباسیان، رک: احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵؛ مهدی پیشوائی، تاریخ زندگی امامان معصوم علیهم السلام، ص ۳۰۶ - ۳۵۲.

پس از معرفی خانه کعبه و بیان اهمیت و ارزش این بنای الهی و نیز اهمیت و وجوب حج و پس از برشماری اسرار و آثار حج، به بیان مراحل آمادگی این سفر عظیم روحانی می‌پردازیم. جامع‌ترین بیان را در زمینه مراحل سفر حج، در کلام روحانی امام صادق علیه السلام می‌بینیم. ایشان می‌فرماید:

۱- تهی کردن قلب از غیر خدا

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَكَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَبْلِ عَزْمِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَحُجْبِ كُلِّ حَاجِبٍ وَفَوْضْ أُمُورَكَ كُلَّهَا إِلَى خَالِقِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَظْهَرُ مِنْ حَرَكَاتِكَ وَسُكُونِكَ وَسَلِّمْ لِقَضَائِهِ وَحُكْمِهِ وَقَدْرِهِ وَدَعِ الدُّنْيَا وَالرَّاحَةَ وَالْخَلْقَ وَاخْرُجْ مِنْ حُقُوقِ تَلْزَمِكَ مِنْ جِهَةِ الْمَخْلُوقِينَ...!» هرگاه اراده کردی که به حج بروی پیش از آنکه از خانه بیرون روی، دلت را از هر شغل و تعلقی که هست خالی کن و تمام کارهای خود را به خداوند واگذار کن و در تمام حرکات و سکنتات توکل به خدا داشته باش.

۱- عبد الرزاق گیلانی، مصباح الشریعة، باب بیست و دوم در آداب حج، ص ۱۴۲ تا ۱۴۸.

گردن تسلیم و رضا به قضای الهی بده و به حکم و تقدیر او راضی باش. دست از دنیا و راحتی آن بردار و خود را از حقوق مردم خلاص کن (و از مظالم و تبعات مردم برائت ذمه حاصل کن.)»

۲- توبه و طلب مغفرت

طلب مغفرت از مراحل مهم آمادگی این سفر معنوی است؛ به این صورت که حاجی گناهان خود را از آغاز تکلیف به خاطر بیاورد و از خدا طلب مغفرت کند. خود را با افراد بدتر از خودش قیاس نکند و با خود نگوید من کاری نکردم. اصل آن است که خود را با افراد باتقوا و بالاتر از خود قیاس کنیم:

«... ثُمَّ اغْسَلُ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ ذُنُوبَكَ وَ الْبَسِ كِسْوَةَ الصَّادِقِ وَ الصَّفَاءِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ...» در غسل احرام گناهان خود را از خُرد و بزرگ به خاطر آور و از همه توبه کن و نادم و پشیمان باش و به آب توبه و انابه آن‌ها را شست و شوده و لباس صدق و صفا و خشوع و خضوع بپوش.» چون لباس دوخته شده را از تن بیرون می‌کنی و احرام می‌پوشی چنین قصد کن که «لباس شرور و فتنه و دروغ و مخالفت را از خود دور می‌کنم و لباس دوستی و اطاعت و راستی را می‌پوشم.»

حضرت در ادامه حدیث می‌فرماید: «وَ أَحْرَمَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ يَحْجُبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ» در موقع احرام هر چیزی را که مانع از یاد حق و اطاعت و بندگی اوست، بر خود حرام کن.»

یادآوری این نکته برای تمام زائران ضروری است که در مسیر

کوچه و خیابان تا حرم سعی کنند از هر چه آنان را از یاد خدا باز می‌دارد و حجاب بین آنان و ذکر الله می‌گردد پرهیز نمایند.

۳- تَیِّبٌ وَ اجَابَتِي خَالِصٌ وَ پَاک

سپس امام علیه السلام سفارش می‌نماید: «وَلَبَّ بِمَعْنَى اجَابَةٍ صَافِيَةً زَاكِيَةً لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي دَعْوَتِكَ؛ وَ تَیِّبٌ بگو. یعنی از قلبی با خلوص و پاک عرض اجابت به دعوت خالق سبحان و ایزد منان بنما.»

هنگامی که حاجی می‌خواهد احرام ببندد و تَیِّبٌ بگوید باید آنچه غیر خداست، بر خود حرام کند و دعوت خدا را اجابت نماید.

وقتی حاجی تَیِّبٌ می‌گوید در دل خود قصد می‌کند که پروردگار عالم را در تمام اوامر و نواهی اجابت کند. گویا با این لیبیک گفتن به پروردگار عرضه می‌دارد: «خداوندا! همان‌گونه که تو مرا به خانه خود دعوت کردی من نیز تو را اجابت می‌کنم و برای تحصیل رضای تو از روی صدق و خلوص و اعتقاد به اطاعت تو گردن می‌نهم.» حاجی بعد از احرام و تلبیه به مسجد الحرام وارد می‌شود و مشغول طواف می‌گردد.

امام علیه السلام می‌فرماید: «مُتَمَسِّكًا بِعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ طُفُّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ؛ چنگ بزن به عروة الوثقی الهی و در هنگام طواف کعبه به خاطر بگذران که با ملائکه در حول عرش طواف می‌کنی؛ به این معنا که همچنان که جسم خود را همراه با مسلمانان طواف می‌دهی، دل خود را با ملائکه طواف بده.»

«وَهَرُولٌ هَرُولَةٌ مِنْ هَوَاكَ وَ تَبْرِيًّا مِنْ جَمِيعِ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ؛
و هَرُولَه كُن اَمَّا هَرُولَه‌ای كه در معنا، گریختن از هوای نفس و
بیزاری جستن از تمام حول و قوه‌ات باشد.»

موقع هروله^۱ از هوی و هوس خود فرار کن و از حول و
قوه خود بیزار شو. فکر نکن تو قدرت داری. از خواسته‌های
نفسانیات بیزار شو.

امام پس از جریان طواف و سعی صفا و مروه، از منی
سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید: «وَ أَخْرُجُ عَنْ غَفْلَتِكَ
وَ زَلَّاتِكَ بِخُرُوجِكَ إِلَيَّ مِنْ مَنِي وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ
لَا تَسْتَحِقُّهُ؛ در وقت رفتن به منی، بیرون رفتن از نافرمانی
خدا و روی آوردن به طاعت و فرمان‌برداری او را قصد کن
و تمنای هر چه برای تو حلال نیست از دل بیرون ساز.»

۴- اعتراف به گناهان در عرفات

سپس می‌فرماید:^۲ «وَ اعْتَرِفْ بِالْخَطَايَا بِعَرَفَاتٍ؛ و در
عرفات اعتراف به تقصیرات خود کن.»
توجه به این نکته ضروری است که اعتراف به گناه در
مقابل بندگان خدا گناه است اما اعتراف به گناه در مقابل
پروردگار به خصوص در این سفر مقدس بسیار خوب است.

۱- هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را - که حدود ۵/۷۶۶ ذراع برابر با ۵/۳۷۷
متر بود- هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر را - که امروزه
با چراغ سبز روشن است- با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع
فرزند خود بود، سریعتر پیمود و در اصطلاح «هَرُولَه» کرد. در علت نامگذاری هروله،
سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله این که شیطان در این مکان بر ابراهیم علیه السلام ظاهر
شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال حاجیان به یاد شداید و سختی‌های
هاجر علیه السلام، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به گونه‌ای گام
برمی‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت درآید. گفتنی است هروله برای
زنان لازم نیست؛ اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه
و مدینه منوره، ص ۶۸.

۲- این نکته باید در نظر گرفته شود که احتمالا امام صادق علیه السلام در مقام بیان
مناسک و اعمال حج نیستند و موضعی را تذکر می‌دهند. لذا ترتیب این اعمال
را رعایت نموده‌اند.

به‌طور کلی، اعتراف به خطاها و گناهان آن سان که از روایات برمی‌آید، در مراحل مختلف حج توصیه شده است؛ از جمله در «مستجار» در حدیثی آمده است: «فَلَمَّا هَبَّ طَأْدَمُ ﷺ إِلَى الْأَرْضِ طَافَ بِالْبَيْتِ فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ دَنَا مِنَ الْبَيْتِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي فَنُوْدِي يَا رَبِّ قَدْ غَفَرْتُ لَكَ. قَالَ: يَا رَبِّ وَ لَوْلَدِي؟ قَالَ: فَنُوْدِي يَا آدَمُ مَنْ جَاءَنِي مِنْ وُلْدِكَ فَبَاءَ بِذَنْبِهِ بِهَذَا الْمَكَانِ غَفَرْتُ لَهُ؟» زمانی که آدم ﷺ به زمین هبوط کرد، خانه کعبه را طواف کرد. وقتی به مستجار رسید، به خانه کعبه نزدیک شد و دو دستش را به آسمان بلند کرد و فرمود: پروردگارا! مرا ببخش. پس خطاب آمد: آدم تو را بخشیدم. عرضه داشت: پروردگارا! فرزندان من؟ خطاب رسید: ای آدم! هر کدام از فرزندان در این مکان اعتراف به گناه کند او را می‌بخشم.»

۵- تجدید پیمان با خالق یکتا

حاجی پس از اعتراف به گناهان و پاک شدن از کدورت‌های آن اذن پیدا می‌کند تا عهد یگانگی پروردگار را تجدید نماید. لذا امام می‌فرماید:

«وَجَدُّ عَهْدِكَ عِنْدَ اللَّهِ بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَتَقَرُّبٍ إِلَى اللَّهِ ذَاتِقَةَ بِمُزْدَلِفَةَ وَاصْعَدُ بِرُوحِكَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى بِصُغُودِكَ إِلَى الْجَبَلِ وَادْبَحْ حَنْجَرَةَ الْهُوَى وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِيحَةِ وَ أَرْمِ الشَّهَوَاتِ وَ الْخَسَاسَةَ وَ الدَّنَائَةَ وَ الذَّمِيمَةَ عِنْدَ رَمَى الْجَمْرَاتِ وَ اَحْلِقِ الْعُيُوبَ الظَّاهِرَةَ وَ الْبَاطِنَةَ بِحَلْقِ رَأْسِكَ؛ عهد و یگانگی خدا را که در نزد توست، تازه ساز و به کوه

۱- مستجار در رکن یمانی قرار دارد و محلی است که برای ورود فاطمه بنت اسد به خانه کعبه و خروج همراه با نوزادش علی ﷺ شکافته شد.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۶۷.

مشعر که بالا می‌روی به خاطر بیاور بالا رفتن روح را به جانب ملاء اعلا و متصل شدن به ملائکه مقرب و (به منی رسیدی) در هنگام ذبح قربانی حلقوم هوی و هوس و طمع از خلائق را قطع کن و موقع سنگ انداختن به طرف شیطان، شهوات نفسانی، دنائت و صفات ناپسند را از خود بینداز. (یعنی تنها سنگ نینداز بلکه صفات بد و رذایل را از خود دور کن و خودت را پاک نما). هنگامی که سر خود را تراشیدی (تقصیر کردی) همه عیوب باطن و ظاهر را از خود بکن و دور کن»

۶- ورود به حریم امن الهی

امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث می‌فرماید: «وَأَدْخُلْ فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ كَنْفِهِ وَ سِتْرِهِ وَ كَلَائْتِهِ مِنْ مُتَابَعَةِ مُرَادِكَ بِدُخُولِكَ الْحَرَمِ وَ زُرِ الْبَيْتِ مُتَحَقِّقًا لِتَعْظِيمِ صَاحِبِهِ وَ مَعْرِفَةِ جَلَالِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ رَضَى بِقِسْمَتِهِ وَ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ وَ وَدَّعْ مَا سِوَاهُ بِطُوفِ الْوُدَاعِ وَ أَصْفِ رُوحَكَ وَ سِرَّكَ لِلِقَاءِ اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ بِوُقُوفِكَ عَلَى الصَّفَا وَ كُنْ ذَا مَرُوءَةٍ مِنَ اللَّهِ نَقِيًّا أَوْصَافَكَ عِنْدَ الْمَرْوَةِ؛ آن‌گاه که به حرم قدم می‌گذاری، خود را از اینکه دنبال خواهشت بودی در امان و پناه و کنف خداوند درآور و با یقین به عظمت صاحب خانه و شناخت شکوه و شوکت و قدرت او خانه را زیارت کن، و از سر خشنودی به قسمت خداوند و خضوع در برابر عزت و قدرت او حجر را استلام کن و با طواف وداع با غیر خدا وداع کن و چون به صفا رسیدی باطن و ظاهر خود را از برای لقای الهی صاف کن و در وقت وقوف به مروه از مروت غافل مباش و از مقتضای آن که اطاعت خدا و مخالفت شیطان است، غفلت نکن.»

۱- اهمیت زیارت

زیارت دیداری است مشتاقانه با حضور در پیشگاه آن که دوستش داریم و بزرگش می‌شماریم. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، قرار دادن خویشتن خویش در حوزه روحانیت و نورانیت ولیّ خدا که او واسطه فیض و رحمت پروردگار است. کسانی که بی‌خبر از تاریخ صدر اسلام و سنت نبوی‌اندگمان می‌کنند زیارت رسم و بدعتی است که شیعیان در دین به وجود آورده‌اند، اما اینان باید بدانند که زیارت قبور مؤمنان و اولیاء الله ریشه در سنت نبوی دارد و در کتب اهل سنت نیز آداب و خصوصیات آن به تفصیل ذکر شده است.^۱ شاهد بر این مدعا روایاتی فراوان است که مربوط به زیارت قبر رسول خدا ﷺ است و فضیلت و ثواب آن از زبان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام نقل شده است.

۱- رک: محمد مهدی رکنی، گزیده شوق دیدار، ص ۱۰ - ۱۴.

۲- فضیلت زیارت رسول الله ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ حَجَّ فَنَزَرَ قَبْرِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي؛ هر کس حج به جا آورد و پس از وفات من قبر مرا زیارت کند همچون کسی است که در حال حیاتم مرا دیدار کرده است.»

در حدیثی دیگر از ایشان نقل شده است: «مَنْ أَتَى الْمَدِينَةَ زَائِرًا لِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بُعِثَ آمِنًا؛ هر کس به قصد زیارت من به مدینه آید، روز قیامت شفاعت من برای او واجب و حتمی است و هر کس در یکی از دو حرم بمیرد ایمن برانگیخته می شود.»

یکی از ویژگی‌های زیارت رسول خدا ﷺ دستوری است که خداوند بر ایشان واجب کرده است؛ زیرا قرآن می فرماید: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ؛ و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان می آورند به نزد تو آیند، بگو سلام بر شما.»

بر طبق این آیه شریفه پیامبر اکرم ﷺ وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی است که به محضر او می آیند. این موضوع بیانگر جلوه‌ای از تواضع و اخلاق متعالی است. سلام حضرت به مؤمنان گویای مقام رفیع ایشان در پیشگاه خداوند است. آمدن نزد پیامبر ﷺ ظاهراً اختصاصی به زمان حیات ظاهری ایشان ندارد و شامل همهٔ زمان‌ها می گردد.^۴

۱- علامه امینی، الغدير، ج ۵، ص ۹۸؛ علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۱۳۵.

۲- تقی الدین سبکی، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام، ص ۱۱۵.

۳- سورة انعام (۶)، آیه ۵۴.

۴- تفسیر راهنما، ج ۵، ص ۱۰۱ و ۱۰۲ ذیل آیه شریفه.

در راستای همین فرمان الهی در حدیثی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي وَ سَلَّمَ عَلَيَّ رَدَدْتُ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَشْرًا وَ زَارَهُ عَشْرَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ كُلُّهُمْ يُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ وَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ فِي بَيْتِهِ رَدَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ رُوحِي حَتَّى أَسَلَّمَ عَلَيْهِ؛ هر کس بعد از وفاتم به زیارت من آید و بر من سلام دهد، من ده بار پاسخش را خواهم داد و ده نفر از فرشتگان او را زیارت می‌کنند و همه بر او سلام می‌دهند و هر کس در خانه‌اش بر من سلام دهد، خداوند روحم را به من برمی‌گرداند تا بر او سلام دهم.»

زائران بیت‌الله‌الحرام گاهی قبل از ورود به مکه مکرمه و انجام اعمال حج یا عمره به زیارت مدینه‌النبی ﷺ مشرف می‌شوند که این زیارت نعمت بزرگی است؛ چون مدینه منوره مثل دریا می‌ماند. زائر در این دریا خود را شست‌وشو می‌دهد و پاک می‌گردد؛ زیرا در زیارت پیامبر اکرم ﷺ می‌خوانیم: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛** خدایا! تو فرمودی و اگر ایشان در آن هنگام که به خود ستم کردند، به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند و پیامبر هم برای ایشان آمرزش بخواهد، همانا خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان ببانند.»

پس از خواندن این آیه شریفه که جزئی از زیارت‌نامه رسول اکرم ﷺ است به ایشان عرضه می‌داریم: **«وَ إِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ؛** و من آمرزش‌خواهانه به

۱- الغدير، ج ۵، ص ۱۶۳، حدیث ۱۹.

۲- سوره نساء (۴)، آیه ۶۴.

۳- جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۵۰.

در گاه پیغمبرت آمده‌ام و از گناهانم توبه کردم و من به سوی تو به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت محمد ﷺ روی آوردم.»
 در زیارت‌های رسول اکرم ﷺ از رحمت بودن ایشان با تعابیری مختلف چون «رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ» و «نَبِي الرَّحْمَةِ» یاد شده است. جاری شدن این الفاظ و تعابیر بر زبان زائر به این معناست که ای پیامبر خدا! کنار دریای رحمت تو آمده‌ایم تا در این دریای رحمت خودمان را بشوئیم و پاک کنیم تا در طواف حرم و سعی صفا و مروه پاک باشیم. قلب‌هایمان را پاک سازیم و بیگانه را از دل خارج کنیم. قلب و روحمان را جایگاه خدا قرار دهیم و یاد او را در سرزمین دلمان زنده نگاه داریم.

گاه برنامه‌ریزی حجاج به گونه‌ای است که بعد از مراسم و مناسک حج به مدینه منوره مشرف می‌شوند. این زیارت نیز جایگاه عجیبی دارد؛ زیرا در روایات، برنامه تکمیلی حج شمرده شده است.

حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُمْ وَأَتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلْزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَقَّهَا وَزِيَارَتَهَا وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا؛ چون از خانه خدا فارغ شدید حج خود را با زیارت رسول الله ﷺ تکمیل کنید؛ زیرا ترک آن جفای به اوست در حالی که شما به زیارت او مأمور شده‌اید. حج خود را با زیارت قبوری کامل سازید که خدای متعال حق صاحبان قبور و زیارت آن‌ها را بر شما لازم کرده است و نزد آن قبرها از خداوند روزی بطلبید.»

۱- ابن بابویه (شیخ صدوق)، خصال، ج ۲، باب از یک تا صد، ص ۹۴۰، عبارتی از حدیث ۱۰.

نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَبْرُورَةً؛ زیارت قبر رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برابر با حج قبول شده همراه با پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.»

۳- زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

روایاتی بسیار از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه علیهم السلام نقل شده است که جایگاه زیارت ائمه اطهار علیهم السلام را در مدینه منوره و فضیلت آن را روشن می سازد. در حقیقت، این روایات جایگاه و منزلت واقعی پیشوایان اسلام را بیان می کند و اتمام حجتی است برای مسلمانان در زمینه منصب زعامت و ولایت تا نشان دهد که مقام امامت و ولایت پس از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متعلق به چه کسانی است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيُخْتِمْ بِزِيَارَتِنَا لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ؛ هنگامی که حج گزاردید، باید حج خود را با زیارت ما کامل کنید؛ زیرا کامل شدن حج منوط به زیارت ماست.»

در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ؛ تکمیل حج به آن است که انسان امام را ملاقات کند.»

قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره حج اشاره می فرماید: «ثُمَّ الْيَقُضُوا تَفَتُّهُمَ وَالْيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَ الْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ سپس باید آلودگی های خود را (که در مدت محرم بودن و قربانی و سر تراشیدن بر بدن هایشان قرار گرفته) برطرف

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۴، باب ۳. (تأکد استحباب زیارة النبی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ والأئمة علیهم السلام و خصوصاً بعد الحج)، ص ۳۳۵، حدیث ۷.

۲- ابن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ج ۳، باب ۲۲۱، ص ۴۷۰، حدیث ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۴.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۹، حدیث ۳۱۶۲.

کند و نذر ایشان را وفا نمایند و بر گرد خانه کهن طواف کنند.»

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که آن حضرت جمله «**ثُمَّ الْيَقُضُوا تَفَثَهُمْ**» را به ملاقات امام تفسیر می‌کنند.^۱ این حدیث ممکن است اشاره به یک نکته لطیف باشد که زائران خانه خدا بعد از انجام مناسک حج همان‌گونه که آلودگی‌های بدن را برطرف می‌کنند، آلودگی‌های روح و جان خود را با ملاقات امام و پیشوای خود برطرف سازند.^۲

از این رو، من همواره به همه توصیه می‌کنم که زیارت جامعه را پشت حرم بقیع فراموش نکنند و البته بدانند که حتماً ائمه علیهم السلام جواب سلام آن‌ها را می‌دهند، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را می‌کنند. البته امام زمان علیه السلام نیز توجه ویژه به زائران بیت‌الله الحرام دارند. در ایام حج به امام زمان علیه السلام توجه داشته باشید و با روبه‌رو شدن با مسائل و سختی‌ها «یا ابا صالح» بگویید که در این نام مقدس عنایت خاصی است و یکی از محل‌هایی که امام زمان علیه السلام در آنجا ملاقات شده‌اند مستجار است. اگرچه ما ایشان را نمی‌بینیم ولی ایشان ما را می‌بینند.

زیارت به نیابت امام حسن عسکری علیه السلام

یکی از امامانی که در طول عمرشان مکه مشرف نشدند امام حسن عسکری علیه السلام بودند. سفارش می‌کنم اگر مکه مشرف شدید و وقت انجام عمره مستحبی داشتید و یا برای دومین بار به حج می‌روید، به نیابت از امام عسکری علیه السلام

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۴، باب ۲، ص ۳۲۱، حدیث ۳.

۲- رک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۸۶-۸۷.

مشرف شوید که با این کار قلب امام زمانتان را شاد می‌کنید. در توضیح طواف به نیابت از ائمه هدی علیهم‌السلام می‌توان این سخن امام جواد علیه‌السلام را بیان نمود.

علی بن مهزیار از موسی بن قاسم نقل می‌کند که خدمت امام جواد علیه‌السلام عرض کردم:

قُلْتَ يَا جَعْفَرَ الثَّانِي علیه‌السلام: قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَطُوفَ عَنكَ وَ عَنْ أَبِيكَ، فَقِيلَ لِي: إِنَّ الْأَوْصِيَاءَ لَا يُطَافُ عَنْهُمْ فَقَالَ لِي: بَلْ طُفَّ مَا أَمَكَكَ، فَإِنَّهُ جَائِزٌ، ثُمَّ قُلْتَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثِ سَنِينَ: إِنِّي كُنْتُ إِسْتَأْذِنُكَ فِي الطَّوْفِ عَنكَ وَ عَنْ أَبِيكَ، فَأَذَنْتَ لِي فِي ذَلِكَ، فَطُفْتُ عَنْكُمَا مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ وَقَعَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَعَمِلْتُ بِهِ.

می‌خواستم از طرف شما و پدرتان طواف کنم اما مردم گفتند: اوصیاء نیازی به طواف ندارند (آیا درست است؟). حضرت فرمود: نه چنین نیست بلکه هر چند ممکن باشد به نیابت از اوصیاء طواف کن که نیابت از اوصیاء جایز است همه سال. راوی گوید: بعد به امام جواد علیه‌السلام گفتم: من پیشتر از شما اجازه گرفتم که به نیابت از شما و پدر بزرگوارتان طواف کنم، شما اجازه دادید و من مدت‌ها طواف کردم. بعد فکری در خاطرم گذشت که به آن عمل کردم.

قَالَ علیه‌السلام وَ مَا هُوَ؟ چه فکری؟

قُلْتُ: طُفْتُ يَوْمًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ الْيَوْمَ الثَّانِي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام ثُمَّ طُفْتُ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ عَنِ الْحَسَنِ علیه‌السلام وَ الرَّابِعَ عَنِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ الْخَامِسَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ السَّادِسَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام وَ الْيَوْمَ السَّابِعَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام وَ الْيَوْمَ الثَّامِنَ عَنْ أَبِيكَ مُوسَى علیه‌السلام وَ الْيَوْمَ

التَّاسِعَ عَنْ أَبِيكَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ الْيَوْمَ الْعَاشِرَ عَنْكَ يَا سَيِّدِي
 وَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَدِينُ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِمْ. فَقَالَ: أَذْنُ وَ اللَّهُ تَدِينُ اللَّهُ
 بِالَّذِينَ الَّذِينَ لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرَهُ. قُلْتُ: وَ رَبِّمَا طُفْتُ عَنْ
 أُمِّكَ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ رَبِّمَا لَمْ أُطْفُ فَقَالَ: اسْتَكَثِرْ مِنْ هَذَا
 فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْتَ عَامِلُهُ أَنْ شَاءَ اللَّهُ^۱

عرض کردم: یک روز به نیابت از رسول خدا صلی الله علیه و آله طواف
 کردم، حضرتش بلافاصله سه مرتبه فرمود: صلوات خدا
 بر رسول خدا نثار باد. عرض کردم: روز دوم به نیابت از
 امیرمؤمنان علی علیه السلام طواف کردم، روز سوم، به نیابت از امام
 حسن مجتبی علیه السلام، روز چهارم به نیابت از سیدالشهداء علیه السلام،
 روز پنجم به نیابت از امام سجاد علیه السلام، روز ششم به نیابت
 از امام باقر علیه السلام، روز هفتم به نیابت از امام صادق علیه السلام، روز
 هشتم به نیابت از جد بزرگوارت امام کاظم علیه السلام، روز نهم به
 نیابت از پدر بزرگوارت امام رضا علیه السلام و روز دهم به نیابت
 از شما ای سرور من. این اوصیاء همان رهبرانی‌اند که من
 با ولایت آنان خدا را بندگی می‌کنم. امام جواد علیه السلام فرمود:
 به خدا سوگند در این صورت خدا را با دین و آیین، بندگی
 می‌کنی که خداوند، غیر آن را از بندگان نمی‌پذیرد.

گفتم: گاهی به نیابت از مادر بزرگوارت فاطمه علیها السلام
 طواف می‌کنم و گاهی طواف نمی‌کنم. فرمودند: هرچه
 بیشتر به نیابت از مادرم فاطمه علیها السلام طواف کن که بهترین
 اعمالی است که انجام می‌دهی ان شاء الله.

در پایان سخن، برای تبرک و تیمم نمونه‌ای از ملاقات و
 تشریفاتی را که در ایام حج برای زائران روی داده و در کتاب‌ها
 نقل شده است و اشاره‌ای نیز به زیارت نیابتی دارد، بازگو
 می‌کنیم و امیدواریم باعث تنبه بیشتر گردد.

۱- فروع کافی، ج ۴، (باب الطواف و الحج عن الائمة علیهم السلام)، ص ۳۱۴، حدیث ۲.

جریان ملاقات با امام زمان علیه السلام

شخصی بود اهل فشنند تهران به نام حاج محمد علی. فشنند یکی از بیلاقات تهران است. وی هر سال به خدمتگزاری حجاج دعوت می‌شد و با کاروان به مکه می‌رفت. می‌گوید: یک سال من وقتی که مشرف شده بودم (معمول کاروان‌ها این است که وقتی حجاج می‌خواهند به عرفات بروند فردی را می‌فرستند که آنجا چادر بزند و زمینه را برای حضور و اسکان حاجیان آماده کند) رفتم به عرفات. چادر زدم، کارهایمان را کردم، تنها هم بودم. وقتی که از چادر خارج شدم تا به مکه برگردم هوا تاریک شده بود. لذا نشستم توی چادر و چادر را انداختم. گفتم امشب نمی‌روم و همین جا هستم. بعد از نماز شب ناگهان دیدم آقایی پرده چادر را کنار زد و تشریف آورد و توی چادر نشست. نام مرا برد. من از جا بلند شدم و پتویی چندلا کردم زیر پای آقا انداختم. فرمود: چایی درست کن بیاور. گفتم: آقا چایی ندارم. فرمود: آب جوش می‌توانی آماده کنی؟ گفتم: بله. فرمود: آب جوش را آماده بکن. من می‌روم چایی می‌آورم. از چادر خارج شدند. من آب جوش را آماده کردم. طولی نکشید که ایشان برگشتند و چند بسته چایی آوردند. چایی را دم کردم. پیش آن آقا گذاشتم. ایشان چایی را میل فرمودند و من هم خوردم. بعد فرمود: غذا چه داری؟ نان و ماست داشتم. چند لقمه‌ای میل فرمود. در این موقع، چهار نوجوان آمدند و به آن آقا سلام کردند و به امر آقا چند لقمه از غذا خوردند و سپس خداحافظی کردند و رفتند.

آقا به من فرمود: دلت می‌خواهد نماز و دعای مخصوص که از جدم هست بخوانی؟ گفتم: بله.

آقا به من فرمود: غسل کن و وضو بگیر تا نماز بخوانیم. گفتم: آقا من وسیله ندارم. اینجا هوا سرد است، چطور غسل کنم؟ فرمود: من از چادر خارج می‌شوم و تو آب گرم کن و با آن غسل کن. من آب گرم کردم و غسل نمودم و وضو گرفتم. آقا تشریف آورد و فرمود: دو رکعت نماز به جای آور، بعد از حمد ۱۱ مرتبه سوره «قل هو الله» را بخوان و این نماز امام حسین علیه السلام در این مکان است. ایشان مشغول نماز شد. بعد شروع کرد به دعا خواندن و اشک از چشمان ایشان جریان داشت. من سواد نداشتم اما آن قدر مکه رفته بودم که دعاها را تقریباً همه را از حفظ بودم. دیدم دعاهایی که این آقا می‌خوانند با همه دعاهایی که حاجی‌ها می‌خوانند فرق دارد. بعد از دعا نشستیم و گفتم: آقا اجازه می‌دهید که من عقاید شما را برای شما بگویم؟ عقاید را برای آقا گفتم. فرمود خوب است. عرض کردم: آیا من دوست اهل بیت علیهم السلام هستم؟ فرمود: آری. عرض کردم: آیا امام زمان علیه السلام در این بیابان تشریف می‌آورد؟ فرمود: امام زمان در چادر نشسته است. باینکه حضرت با صراحت فرمود اما من متوجه نشدم. بعد گفتم: آیا فردا امام با حاجی‌ها در عرفات می‌آید؟ فرمود: آری. گفتم: کجاست؟ فرمود: در جبل الرحمة. عرض کردم: اگر رفقا بروند می‌بینند؟ فرمود: می‌بینند ولی نمی‌شناسند. گفتم: فردا شب امام در چادرهای حجاج می‌آید و نگاه عنایتی می‌فرماید؟ فرمود: امام فردا شب به چادر شما می‌آید؛ چون مصیبت عمومی حضرت ابوالفضل علیه السلام خوانده می‌شود. ایشان سپس دو اسکناس سعودی به من داد و فرمود: عمره‌ای برای پدرم به جای بیاور. گفتم: اسم پدر شما چیست؟ فرمود: حسن. عرض

کردم: اسم شما؟ فرمود: سیدمهدی. قبول کردم. آقا بلند شد تا برود و من تا دم چادر ایشان را بدرقه کردم. حضرت برای معانقه برگشت و با هم معانقه نمودیم. خوب به یاد دارم که خال طرف راست صورتش را بوسیدم. آقا به من لطف کرد و فرمود: برگرد. تا برگشتم دیگر حضرت را ندیدم. همین که تنها شدم ناگهان متذکر شدم: ای وای! کی بود این آقا؟ به یاد آوردم که فرمود: اسم پدرم حسن است، اسم خودم سیدمهدی است. یاد آمد به صورت مبارکش خال هاشمی بود. ای وای بر من، او امام زمان من بود و من نشناختم.

بغض گلویم را گرفت. گریه و زاری و توسل کردم. منتظر بودم صبح شود. صبح که شد کاروان آمد. قصه را برای روحانی کاروان گفتم. شب شد و مجلس روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام در چادر برگزار گردید. داخل چادر را به دقت نگاه می کردم تا امام را بیابم. ایشان وعده داده بود تشریف می آورد. هرچه نگاه کردم آن حضرت را ندیدم. با خودم گفتم: خدایا وعده امام حق است! بی اختیار از مجلس بیرون رفتم. نزدیک ورودی چادر، همان آقا را دیدم. عرض ادب کردم و خواستم مردم را با خبر کنم که حضرت را بینند اما ایشان با اشاره به من فهماند که حرفی نزنم. ایشان در همان حال ایستاده بود تا روضه تمام شد و دیگر حضرت را ندیدم.^۱

من نوکر و ارباب تویی مهدی جان
 نوکر رخ ارباب نبیند سخت است

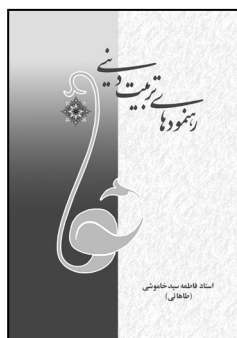
۱- رک: قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۹

کتابنامه

- * قرآن حکیم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- * نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، ترجمه و تحقیق سید محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۲- _____، خصال، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات ارمغان طوبی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۳- _____، الامالی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۴- _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، انتشارات ارمغان طوبی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ه.ش.
- ۵- _____، من لایحضره الفقیه، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۶- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۸- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۹- امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق.
- ۱۰- انصاری، محمد باقر، خطبة غدیر در آینه اسناد، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- ۱۱- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۱۲- پیشوائی، مهدی، تاریخ زندگانی امامان معصوم علیهم السلام، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۱۳- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ه.ق.
- ۱۴- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه چاپ الهادی، قم، نوبت نوزدهم، بهار ۱۳۸۱ ه.ش.
- ۱۵- دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷ ه.ش.
- ۱۶- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه و تحقیق غلام

- رضا خسروی حسینی، انتشارات مکتب مرتضویه، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ه. ش.
- ۱۷- رکنی یزدی، محمد مهدی، گزیده شوق دیدار، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد مقدس، ۱۳۸۷ ه. ش.
- ۱۸- سبکی، تقی الدین، شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، بی جا، ۱۴۱۹ ه. ق.
- ۱۹- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مؤسسة البعثة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه. ق.
- ۲۰- طوسی، (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ه. ش.
- ۲۱- قائدان، اصغر، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۹ ه. ش.
- ۲۲- قاضی زاهدی، احمد، شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، نشر حاذق، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۲۳- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۵ ه. ش.
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی، دار صعب، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ه. ق.
- ۲۵- گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، تصحیح سیدجلال الدین محدث، نشر صدوق، تهران، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۷۳ ه. ش.
- ۲۶- متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق بکری حیانی، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۲۷- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، قرآن حکیم، ترجمه و شرح آیات منتخب، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه. ش.
- ۲۹- _____، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه. ش.
- ۳۰- _____، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۶۷ ه. ش.
- ۳۱- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دارالکتب العلمیة، بیروت چاپ سوم، ۱۴۳۰ ه. ق.
- ۳۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، مؤسسة بوستان کتاب، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۳۳- یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۶ ه. ش.

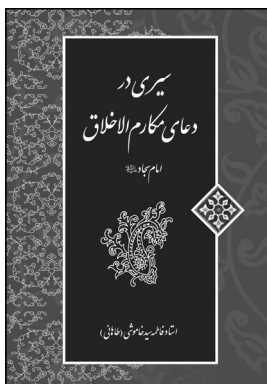
معرفی آثار استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)



نام کتاب: رهنمودهای تربیت دینی
مؤلف: استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)
ناشر: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی
تاریخ نشر: ۱۳۹۴
نوبت چاپ: دوم
شمارگان: ۱۰۰۰

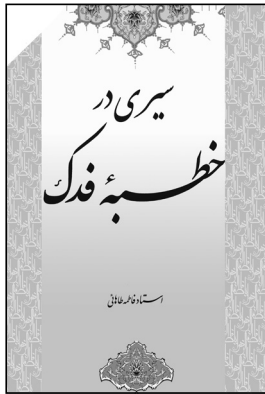
کتاب رهنمودهای تربیت دینی، در برگیرندهٔ مباحثی پیرامون تربیت در دورهٔ کودکی و جوانی بر طبق آموزه‌های دینی است که آگاهی‌ها، مهارتها و رهنمودهای لازم را در این زمینه در دو بخش جداگانه ارائه نموده است.

این کتاب سفارشهای تربیتی اسلام برای پرورش مذهبی کودک و راههای درمان مشکلات او را ارائه می‌دهد. از آنجا که دورهٔ جوانی اهمیّت فراوانی دارد، بخش دوم کتاب به مباحث دورهٔ جوانی می‌پردازد و نحوهٔ تعامل و ارتباط مناسب با جوانان و اصول و ضوابط لازم در تربیت صحیح جوان بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث را نشان می‌دهد.



نام کتاب: سیری در دعای مکارم الاخلاق
مؤلف: استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)
ناشر: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی
تاریخ نشر جلد اول: ۱۳۹۰ تاریخ نشر جلد دوم: ۱۳۹۳
شمارگان: ۲۰۰۰ شمارگان: ۱۰۰۰

دعای مکارم الاخلاق دربرگیرنده معارف والای اخلاقی و آموزش بهترین ارزشهای انسانی است. امام سجاد علیه السلام آراستگی به اخلاق ستوده و دوری از خلیقات ناپسند را از خدا درخواست می کنند که سعادت ابدی از این طریق حاصل می آید. فرازهای این دعا سرشار از عبارتهایی پر معرفت و درخواستهایی است که زیربنای حیات طیبه انسانی بر محور توحید را تشکیل می دهند. این خواسته ها بیانگر علم لدنی، درک کامل و نگرش جامع امام به هستی، هدفمندی خلقت جهان و انسان و معرفت صفات باری تعالی است.



نام کتاب: سیری در خطبه فدک

مؤلف: استاد فاطمه سیّد خاموشی (طاهائی)

ناشر: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی

تاریخ نشر: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: چهارم

شمارگان: ۱۰۰۰

سیری در خطبه فدک شرحی است روان و کوتاه بر مشهورترین خطبه حضرت زهرا علیها السلام. ایشان در این خطبه پس از ذکر مباحث توحیدی و جایگاه نبوت و عترت در پاسداری از وحی به شرح کوتاهی از فروع دین و فلسفه احکام پرداخته، سپس با دفاع از حریم ولایت همه کسانی را که حقوق آن عصمت را به جای نیاوردند توبیخ می کنند.

آن حضرت برای اثبات حقانیت خود در ادای مالکیت فدک به آیات و سیره نبوی استشهاد می فرمایند و از سر درایت و بینش، به آسیب شناسی جامعه ای می پردازند که پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اماند و با تزییع حقوق خاندان نبوت، روزگار گذراند.



نام کتاب: شرحی بر دعای عهد (به ضمیمه انتظار و وظایف منتظران)

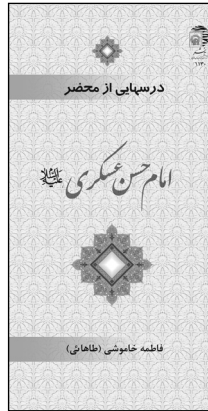
مؤلف: استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)

ناشر: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی

تاریخ نشر: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

در فرهنگ اسلامی دعا‌هایی وجود دارد که بیانگر ارزش و اهمیت فراوان در ارتباط با مقام ولایت و حجت خداست. و دعای عهد از جمله این دعاهاست که شیعیان با بهره‌گیری از آن ارتباط دائمی خود با امام زمان علیه السلام را حفظ می‌کنند و با آگاهی از حقانیت اعتقاد خود در امامت آن حضرت و با بهره‌مندی از هوشیاری و درایت یادآور می‌شوند که در پذیرش ولایت امام زمان علیه السلام استوار ایستاده‌اند و دشواری‌های دوران انتظار را با بردباری تحمل می‌نمایند.



نام کتاب: درسهایی از محضر امام حسن عسکری علیه السلام

مؤلف: استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)

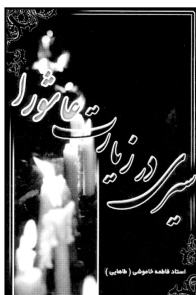
ناشر: به نشر - انتشارات آستان قدس رضوی

تاریخ نشر: ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰

در زندگی ائمه معصومین علیهم السلام تلاشی مستمر
برای پالایش و تزکیه نفوس و ارشاد و هدایت
جامعه را مشاهده می‌کنیم که نسل جوان ما
کمتر با آن آشناست.

بازشناسی سیره این بزرگواران بر جامعه کنونی
امری ضروری است و شناخت ابعاد گوناگون و
زوایای زندگی این الگوهای بشریت می‌تواند در
نگرش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییرات
عمده به وجود آورد و در بهبود روابط فردی،
اجتماعی و اسلامی شدن آن سهم باشد.



نام کتاب: سیری در زیارت عاشورا
مؤلف: استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)

ناشر: پارسیران

تاریخ نشر: ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۰۰۰

از عوامل حفظ و ماندگاری نهضت حسینی و تداوم آموزه‌های عاشورایی زیارت نامه‌هایی است که از ائمه علیهم‌السلام رسیده و مشتمل بر مباحث معرفتی و مسائل اخلاقی، تربیتی است که رشد معنوی زائر را در سایه آگاهی و معرفت او به دنبال دارد. عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام در قالب زیارت و آشنایی با مقامات روحانی معصومین علیهم‌السلام پیوندی وثیق با آنان برقرار می‌نمایند.

یکی از مشهورترین و رایج‌ترین زیارات، زیارت عاشورا است که عصاره آن اظهار ارادت به مکتب حسینی و اعلام برائت از کفر و الحاد و نفاق است. شناسنامه کامل بنیانگذاران ظلم و جور و زمینه‌سازان حادثه کربلا از سرفصل‌های مهم زیارت عاشورا است که نتیجه آن معرفتی جبهه حق و باطل می‌باشد. تبیین چگونگی اعلام محبت به اهل بیت علیهم‌السلام، تقاضای هم‌نشینی با ایشان، نایل شدن به مقام محمود و درخواست رحمت و مغفرت الهی و در نهایت سجده خاضعانه از ویژگی‌های مهم زیارت عاشورا است.



نام کتاب: معیار شناخت شیعه

مؤلف: استاد فاطمه سید خاموشی (طاهائی)

ناشر: پارسیران

تاریخ نشر: ۱۳۸۱

شمارگان: ۱۰۰۰۰

اثر فوق بر اساس درسهای اخلاقی استاد معظمه پیرامون حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام در مورد ویژگیها و اوصاف شیعیان واقعی تنظیم و در دوازده درس ارایه شده است.

از جمله مباحث کتاب می توان به این موارد اشاره کرد: حقیقت تقوی و مراحل آن، تواضع و نشانه های آن، خشوع و امانت، همراهی با همسایگان، نیکی به پدر و مادر، تلاوت قرآن و آداب آن.